

# ستاره‌های درخشان

مختصری به زبان ساده و آسان درباره سیرت رسول اکرم صلی  
الله علیه وسلم، عشره مبشره، ازواج مطهرات و برخی از  
اصحاب کرام رضوان الله تعالی علیهم اجمعین

دکتر محمد مجید محمدی

## فهرست مطالب

- 1..... فهرست مطالب
- 3..... پیشگفتار
- 4..... حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم
- 4..... نسب مبارک:
- 4..... ولادت پیامبر صلی الله علیه وسلم:
- 4..... رضاعت (دایه):
- 4..... بازگشت به آغوش مادر و وفات مادر مهربان:
- 4..... در آغوش پدرکلان و کاکا:
- 5..... ازدواج با بی بی خدیجه:
- 5..... نزول وحی:
- 5..... هجرت بسوی مدینه:
- 5..... پایه گذاری دولت اسلامی:
- 6..... حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه
- 8..... حضرت عمر بن خطاب رضی الله عنه
- 9..... حضرت عثمان بن عفان رضی الله عنه
- 10..... حضرت علی بن ابی طالب رضی الله عنه
- 11..... حضرت ابو عبیده بن جراح رضی الله عنه
- 13..... حضرت زبیر بن عوام رضی الله عنه
- 14..... حضرت طلحه بن عبید الله رضی الله عنه
- 15..... حضرت سعید بن زید رضی الله عنه

- 16..... حضرت عبدالرحمن بن عوف رضى الله عنه.
- 17..... حضرت سعد بن ابى وقاص رضى الله عنه .
- 18..... ام المومنين خديجه بنت خويلد رضى الله عنها .
- 20..... عائشه بنت ابى بكر الصديق رضى الله عنها .
- 22..... حفصه بنت عمر بن الخطاب رضى الله عنها .
- 23..... سيده فاطمه زهرا رضى الله عنها .
- 24..... حسنين رضى الله عنها .
- 26..... حضرت بلال ابن رباح رضى الله عنه .
- 27..... حضرت سلمان فارسى رضى الله عنه .
- 28..... حضرت ابوايوب انصارى رضى الله عنه .
- 29..... حضرت معاويه بن ابى سفيان رضى الله عنه .
- 30..... حضرت عبد الله بن عباس رضى الله عنها .
- 31..... حضرت عبد الله بن عمر رضى الله عنها .
- 32..... حضرت انس بن مالك رضى الله عنه .
- 33..... حضرت ابو هريره رضى الله عنه .
- 34..... حضرت خالد بن وليد رضى الله عنه .
- 35..... حضرت حسان بن ثابت رضى الله عنه .
- 36..... حضرت عمرو بن العاص رضى الله عنه .
- 37..... حضرت اسامه بن زيد رضى الله عنها .
- 38..... حضرت سعد بن معاذ رضى الله عنه .

## پیشگفتار

دانستن سیرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم بر هر مسلمان لازمی است. چنانچه هر فرد مسلمان باید درباره صحابه کرام بخصوص بزرگان آنان که به گواهی رسول اکرم صلی الله علیه وسلم بهترین مردم بعد از انبیاء اند معلومات کافی داشته باشد. در گذشته‌ها سیرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم و حکایات صحابه رضوان الله علیهم اجمعین از جمله ضروریات تعلیم فرزندان مسلمانان بشمار می‌رفت و تلاش صورت می‌گرفت تا از همان اوان کودکی اطفال با این ستاره‌های درخشان آشنا شوند و بدانند که این دینی که برای ما رسیده است و لله الحمد ما متمسک به آن هستیم در اثر تلاش‌ها، رنج‌ها و زحمات شبانه روزی این ستاره‌های درخشان به گوشه و کنار جهان رسیده است. آنان تمام زندگی خود را در راه رسانیدن این دین به ما وقف کردند. آنان راه جهاد، هجرت و دعوت را اختیار کردند، راحت زندگی دنیا را ترک کردند تا اینکه اکنون به تصدیق قول رسول اکرم صلی الله علیه وسلم خانه‌ای وجود ندارد که در آن این دعوت نرسیده باشد.

متأسفانه در چند سال اخیر با روش‌های مختلف جنگی اعم از عسکری و فکری، تمام اقشار جامعه اسلامی بخصوص جوانان و نوجوانان از تعالیم دینی فاصله گرفتند. تبلیغات زهراگین دشمن، شبکه‌های مختلف تلویزیونی، انترنت، فیس بوک و سایر وسایل ارتباط جمعی باعث شده است که یکتعداد جوانان به لهو و لعب مصروف شوند. یکتعداد جوانان مسلمان بجای آشنایی به دین و تعلیمات والای آن، آشنایی بیشتر به فرهنگ غرب و کفار پیدا کردند. آنان اکنون درباره بزرگان، فیلسوف‌ها، سیاستمداران، ورزشکاران و ستاره‌های سینمای غرب محترم و بیشتر نسبت به فرهنگ و ارزش‌های دینی خود، اطلاع و معلومات دارند. بیشتر جوانان ما نه تنها درباره صحابه کرام و علمای سلف بلکه درباره شخص رسول اکرم صلی الله علیه وسلم معلومات کافی و بسنده برای یک جوان مسلمان را ندارند. با در نظر داشت، این همه تصمیم بر آن شد تا این کتاب مختصر به زبان خیلی ساده و آسان و معلومات مهم و کوتاه در اختیار دوستداران دین قرار گیرد تا مناسب فهم و درک تمام اقشار جامعه اعم از بزرگان، جوانان و نوجوانان زن و مرد باشد. امیدوار هستم که این عمل کوچک مورد پذیرش الله متعال قرار گیرد و فایده آن عام گردد تا برادران و خواهران ما بتوانند با استفاده از آن، معلومات مهم و لازمی را درباره رسول اکرم صلی الله علیه وسلم و یاران وی رضوان الله علیهم اجمعین آموخته و آنرا به اعضای خانواده و دوستان خود نیز برسانند و به این ترتیب در نشر این معلومات دینی سهم بگیرند. از الله متعال برای همه توفیق خواهام چنانچه استدعا دارم دوستانی را که در ترتیب، مراجعه، چاپ و نشر این کتاب سهم گرفته اند از جزای نیک محروم نگرداند.

دکتر محمد یحیی مجددی

رئیس بورد شرعی مشورتی بانک اسلامی افغانستان

21 ذی الحجه 1442

31 جولای 2021

## حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم

### نسب مبارک:

ایشان حضرت محمد صلی الله علیه وسلم بن عبدالله بن عبدالمطلب (شیبیه) بن هاشم (عمرو) بن عبدمناف (مغیره) بن قصی (زید) بن کلاب بن مره بن کعب بن لؤی بن غالب بن فهر (قریش) است. و به همین مناسبت اسم قبیله رسول الله صلی الله علیه وسلم قریش است. اما خانواده او صلی الله علیه وسلم منسوب به هاشم بن عبدمناف است. پدر رسول الله صلی الله علیه وسلم قبل از ولادت رسول الله صلی الله علیه وسلم وفات نموده بود.

### ولادت پیامبر صلی الله علیه وسلم:

سرور پیامبران صلی الله علیه وسلم در شهر مکه معظمه به روز دوشنبه دوازدهم ربیع الاول سال فیل به دنیا آمد. مادر پیامبر صلی الله علیه هنگام ولادت می بیند که از وجود او نوری بیرون می شود و قصرهای شام را روشن می نماید.

### رضاعت (دایه):

عرب های شهرنشین عادت داشتند که بچه های شان را به دایه های دهاتی بسپارند تا از بیماری ها مصئون بمانند و جسم شان قویتر و سالمتر باشد و زبان عربی فصیح گردد.

عبدالمطلب نیز زنی را بنام حلیمه برای دایگی پیامبر صلی الله علیه وسلم اختیار کرد. حلیمه از روزی که پیامبر صلی الله علیه وسلم را شیر می داد، از برکت وجود او صلی الله علیه وسلم در خانه خود خیر و برکت زیادی را مشاهده کرد. پیامبر صلی الله علیه وسلم زمانی که نزد بی بی حلیمه، چهار یا پنج ساله بود، واقعه شق صدر رخ داد؛ رسول الله صلی الله علیه وسلم همراهی اطفال همسن و سال خود بازی میکرد که جبرئیل علیه السلام آمد او را گرفت، خوابانید و سینه اش را شکافت و قلبش را بیرون نمود، و از قلبش تکه خون بسته ای را جدا کرد و گفت: این، سهم شیطان است. سپس قلبش را در تشتی با آب زمزم شست و آن را بر جایش گذاشت. بچه ها، با دیدن این صحنه، دوان دوان نزد حلیمه رفتند و گفتند محمد کشته شد! همه به سوی رسول الله صلی الله علیه وسلم شتافتند و او را در حالی یافتند که رنگش پریده بود.

### بازگشت به آغوش مادر و وفات مادر مهربان:

پس از این حادثه، بی بی حلیمه ترسید و رسول الله صلی الله علیه وسلم را به مادرش برگرداند و تا شش سالگی همراه مادر بود.

آمنه مادر رسول الله صلی الله علیه وسلم با فرزند خود از مکه بیرون شد و راهی یثرب گردید. هنگام بازگشت از یثرب مادر در راه بیمار شد و در منطقه (ابواء)؛ میان مکه و مدینه، وفات نمود.

### در آغوش پدرکلان و کاکا:

بعد از وفات مادر، پدر کلانش مسئولیت پرورش رسول الله صلی الله علیه وسلم را بدوش گرفت. او خیلی شخص مهربان بود و رسول الله صلی الله علیه وسلم را نسبت به همه اولاد خود قدر می کرد و دوست می داشت. رسول الله صلی الله علیه وسلم هشت ساله، دو ماه و ده روزه بود که پدر کلانش نیز وفات کرد و مسئولیت سرپرستی ایشان را کاکایش ابوطالب به دوش گرفت. او نیز با رسول الله صلی الله علیه وسلم خیلی مهربان بود و تا چهل سال همواره پشتیبان ایشان بود و تا دم مرگ، از حمایت و پشتیبانی ایشان، از هیچ کوشش و تلاش دریغ نورزید.

### ازدواج با بی بی خدیجه:

بی بی خدیجه، رسول الله صلی الله علیه وسلم را اختیار کرد تا با مال او تجارت کند. او در جریان تجارت از اخلاق و امانت رسول الله صلی الله علیه وسلم متأثر شد و پیشنهاد عروسی کرد و او صلی الله علیه وسلم نیز پذیرفت. در آن زمان، بی بی خدیجه چهل سال داشت و اولین زنی بود که رسول الله صلی الله علیه وسلم با او ازدواج کرد و تا خدیجه زنده بود، آن حضرت با زن دیگری ازدواج نکرد. تمام اولاد رسول الله صلی الله علیه وسلم به جز ابراهیم از بی بی خدیجه اند.

### نزول وحی:

هنگامی که رسول الله صلی الله علیه وسلم به چهل سالگی رسید، بنابر بعضی روایات به روز دوشنبه 21 رمضان هنگامی که ایشان صلی الله علیه وسلم در غار حرا مشغول عبادت بود که جبریل علیه السلام آمده و بر ایشان وحی نازل نمود. در این زمان نیز بی بی خدیجه رضی الله عنها، رسول الله صلی الله علیه وسلم را در حالی که از منظر نزول وحی خیلی بالایش خوف طاری شده بود کمک و همکاری نمود و این همکاریها مدت ده سال طول کشید تا بالاخره بی بی خدیجه رضی الله عنها در سال دهم بعثت و تنها سه ماه بعد از وفات ابو طالب کاکای رسول الله صلی الله علیه وسلم وفات نمود.

### هجرت بسوی مدینه:

بعد از تحمل مشقت، دشواریها، آزار و اذیت زیاد بالاخره در سال 14 بعثت، رسول الله صلی الله علیه وسلم همراه با ابو بکر صدیق رضی الله عنه مجبور شد تا مکه را ترک گفته بسوی یثرب (مدینه) هجرت کند. آنان در مسیر راه چند شب را در غار ثور گذراندند و بالاخره به مدینه منوره رسیدند. مردم مدینه از رسول الله صلی الله علیه وسلم استقبال خیلی گرم نمودند.

### پایه گذاری دولت اسلامی:

رسول الله صلی الله علیه وسلم پایه های دولت اسلامی را گذاشت، رقعہ اسلام گسترده شد و مناطق زیادی تحت تسلط مسلمانان قرار گرفت. مکه مکرمه نیز فتح گردید و بالاخره به روز دوشنبه 12 ربیع الاول سال 11 هجری رسول اکرم صلی الله علیه وسلم به عمر 63 سالگی دنیا را وداع گفت و اصحاب کرام را در غم و اندوه فرو نشاند. ابو بکر صدیق رضی الله عنه جانشین وی و اولین خلیفه مسلمانان اختیار گردید.

## حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه

نام ابو بکر صدیق رضی الله عنه، عبدالله بن ابی قحافه "عثمان" بن عامر بود. او اولین کس از مردان بود که به رسول الله صلی الله علیه وسلم ایمان آورد. ابوبکر صدیق رضی الله عنه یار هجرت، یار غار و پس از مسلمان شدن همیشه در سفر و حضر تا دم وفات آن حضرت صلی الله علیه وسلم در خدمت ایشان بوده و هیچ گاه از او جدا نشد. رسول الله صلی الله علیه وسلم درباره او می فرماید: «الله متعال مرا به سوی شما مبعوث کرد شما گفتید تو دروغ می گویی، اما ابوبکر گفت راست می گوید و مرا با جان و مالش یاری داد».

امت اسلامی به اجماع، ابوبکر را "صدیق" نامیده اند چون او همیشه راست می گفت و نیز بلافاصله رسالت پیامبر صلی الله علیه وسلم را تصدیق نمود. همچنان زمانی که واقعه اسراء و معراج برای پیامبر صلی الله علیه وسلم رخ داد و ایشان مردم را از آن باخبر کرد، مشرکین نزد ابوبکر رضی الله عنه آمدند و گفتند: آیا می دانی دوست تو چه می گوید؟! او می گوید که دیشب به بیت المقدس برده شده است!! ابوبکر از آن ها پرسید: آیا واقعا محمد چنین گفته است؟ مشرکین گفتند: بلی. ابوبکر رضی الله عنه قبل از اینکه پیامبر صلی الله علیه وسلم را ببیند و از او اخبار اسراء و معراج را بشنود، گفت: «اگر این را گفته باشد، یقینا او راست گفته است، من او را در چیزی بالاتر از این که او می گوید؛ یعنی اخبار آسمانی صبح و شام به او می رسد- تصدیق می کنم».

ابوبکر رضی الله عنه بزرگوار و سخاوتمند بود و از آنجا که اموال خود را به کثرت صدقه می کرد الله متعال در قرآن از او توصیف کرد. هیچگاهی کسی بشمول عمر بن الخطاب رضی الله عنه نتوانست که از وی در صدقه و خیرات در راه الله متعال پیشی گیرد. در مکه معظمه چندین غلام را که تحت تعذیب و شکنجه کفار قرار داشتند آزاد کرد.

ابوبکر رضی الله عنه شخص بسیار دانا و هوشیار بود. بعد از وفات رسول الله صلی الله علیه وسلم در مقابل مانعین زکات قاطعانه ایستاد و فرمود: «سوگند به خدا! با کسی که میان نماز و زکات فرق می گذارد خواهم جنگید، سوگند به خدا! اگر زانو بند شتری را که به پیامبر صلی الله علیه وسلم می دادند، ندهند با آن ها می جنگم».

حضرت علی رضی الله عنه به شجاعت ابوبکر رضی الله عنه شهادت داده می گوید: من، دیدم که مردان قریشی، رسول الله صلی الله علیه وسلم را در میان خود گرفته بودند و این ابوبکر رضی الله عنه بود که به شدت از آن حضرت صلی الله علیه وسلم دفاع می کرد و آنان را از ایشان دور می راند. قریشی ها به پیامبر صلی الله علیه وسلم می گفتند: تو خدایان ما را بد و رد گفته و به جای این همه بت های ما، به خدای یگانه معتقد هستی. در این هنگام تنها ابوبکر رضی الله عنه بود که به آن حضرت صلی الله علیه وسلم نزدیک شد و در حالی که سخن مؤمن آل فرعون را تکرار می کرد (آیا شخصی را به قتل می رسانید که می گوید پروردگارم الله متعال است؟) در مقابل مشرکان ایستاد و آنان را از پیامبر صلی الله علیه وسلم دور کرد. .... و علی رضی الله افزود: قسم به الله متعال، اگر تمام زمین از امثال مؤمن آل فرعون پر شود، يك لحظه ابوبکر از همه آن ها محتر است. زیرا مؤمن آل فرعون، ایمانش را پنهان کرده بود؛ اما این ابوبکر رضی الله عنه، ایمانش را آشکارا بیان کرد.

ابوبکر صدیق رضی الله عنه از عالم ترین و داناترین مردم بود و بیش از همه از الله متعال خوف و بیم داشت. وی رضی الله عنه همیشه همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم می بود. او رضی الله عنه، بیش از همه صحابه در سفر و حضر، شب و روز خود را با رسول الله صلی الله علیه وسلم می گذراند و شب پس از نماز عشاء با آن حضرت صلی الله علیه وسلم مجلس می کرد و با ایشان درباره مسایل مسلمانان گفتگو می کرد. رسول الله صلی الله علیه وسلم نیز هرگاه می خواستند با صحابه در مورد

مسأله‌ی مشورت کند، مشورت خود را با ابوبکر صدیق رضی الله عنه آغاز می‌کرد؛ و گاهی تنها به مشورت وی اکتفا می‌کردند و به آن عمل می‌کردند. در صورت وجود اختلاف نظر در مشورت ابوبکر صدیق رضی الله عنه و سایر صحابه، به مشورت ابوبکر رضی الله عنه عمل می‌کردند. ابوبکر رضی الله عنه در غیاب رسول اکرم صلی الله علیه وسلم امامت مسلمانان را در مسجد نبوی نیز بر عهده داشت و این بیان‌گر جایگاه ابوبکر رضی الله عنه نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌باشد؛ زیرا وی رضی الله عنه تنها کسی بود که در حیات رسول الله صلی الله علیه وسلم به چنین افتخاری نایل شده است.

از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «(در خواب) دیدم که کاسه‌ای پر از شیر به من داده شد و از آن تا که سیر شدم نوشیدم، گویا آن را می‌دیدم که در رگ‌هایم و در میان پوست و گوشتم جریان یافته است؛ مقداری از آن شیر زیاد ماند؛ آن مقدار اضافه را به ابوبکر دادم.» صحابه عرض کردند: «ای رسول الله! این، همان علمی است که الله متعال به شما داده و شما از آن سرشار گشته و مقداری را نیز به ابوبکر رضی الله عنه داده‌اید» و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «درست تعبیر کردید».

ابوبکر رضی الله عنه پدر مادر مومنان عائشه رضی الله عنها، محبوب‌ترین خاتم‌های رسول الله صلی الله علیه وسلم - و اولین خلیفه مسلمانان بعد از وفات رسول الله صلی الله علیه وسلم بود. او رضی الله عنه در دوشنبه هشتم جمادی الاول سال سیزدهم هجری وفات نمود.

حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه از جمله ده کسانی بودند که رسول الله صلی الله علیه وسلم آنان را به هشت بشارت دادند. هر کس، وی رضی الله عنه را -العیاذ بالله-، کافر یا مرتد بداند و یا در ایمان وی شک کند، در حقیقت رسول الله صلی الله علیه وسلم را در بشارت وی رضی الله عنه به هشت تکذیب می‌نماید و همچنان آیات و احادیثی را که در فضیلت اصحاب کرام بطور عام و در فضیلت و ایمان صادق و راستین ابوبکر صدیق رضی الله عنه بطور خاص آمده است، تکذیب می‌کند، و در نتیجه، این شخص از ملت خارج می‌گردد.

\* \* \* \* \*



## حضرت عمر بن خطاب رضی الله عنه

نام او عمر بن خطاب بن نفیل از خانواده بنی عدی و از قبیله قریش بود. کنیه او ابو حفص بود. پیامبر صلی الله علیه وسلم او را در جنگ بدر ابو حفص کنیه داد. حفص پسر شیر را می‌گویند. رسول الله صلی الله علیه وسلم او را "فاروق" لقب داد چون الله متعال به وسیله عمر رضی الله عنه، حق را از باطل جدا کرد. پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد عمر فاروق رضی الله عنه می‌فرماید: «من شیطان‌های انس و جن را می‌بینم که از عمر فرار می‌کنند». [سنن ترمذی] او سیزده سال پس از پیامبر صلی الله علیه وسلم به دنیا آمده بود.

رسول الله صلی الله علیه وسلم برای اسلام آوردن عمر رضی الله عنه دعا کرد و از الله تعالی درخواست نمود تا اسلام را با عمر بن الخطاب و یا عمرو بن هشام (ابو جهل) مک کن. وقتی عمر فاروق اسلام آورد مسلمانان خیلی خرسند شدند و برایشان قوت و نیرو بخشید. پیامبر صلی الله علیه وسلم داماد عمر رضی الله عنه بود زیرا دختر او حفصه رضی الله عنها همسر رسول الله صلی الله علیه وسلم و از امحات المومنین بود.

عمر رضی الله عنه شخص قوی بود هنگام راه رفتن سریع راه می‌رفت و همراهانش کمتر می‌توانستند در هنگام راه رفتن به او برسند. او شخص شجاع بود چنانچه رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «من در خواب دیدم که در هشت هفتم زنی را دیدم که در کنار قصری نشسته و می‌درخشد. گفتم: این قصر مال چه کسی است؟ گفتند: از عمر است. من به یاد شهادت و غیرت او افتادم و از آنجا روی گردانده و برگشتم. هنگامی که عمر رضی الله عنه این سخن پیامبر صلی الله علیه وسلم را شنید به گریه افتاد و گفت: آیا ممکن است نسبت به شما غیرتم به جوش بیاید؟!».

الله متعال چندین بار آیات قرآنی را منجمله در باره سرنوشت اسیران بدر، در تأیید موقف عمر رضی الله عنه نازل کرد. عمر رضی الله عنه خلیفه دوم مسلمانان بود. در دوران خلافت او اسلام قوت بیشتر یافت و مناطق زیادی را مسلمانان فتح کردند. او نمونه و الگویی از عدالت و انصاف را در دوران خلافت خود به نسل‌های بعد خود گذاشت که تا امروز تاریخ بشریت، بعد از ایشان، نظیر آنرا مشاهده نکرده است.

عمر رضی الله عنه بعد از ده سال خلافت سرشار از عدل و انصاف که فتوحات آن از جانب شرق به خراسان و سجستان و از جانب غرب به لیبیا رسیده بود به تاریخ 26 ذی الحجه سال 23 هجری هنگامی که نماز فجر را امامت می‌نمود مورد حمله ابو لولوی مجوسی قرار گرفت و شدیداً زخمی شد و متعاقباً به شهادت رسید. وی در کنار رسول الله صلی الله علیه وسلم و ابو بکر صدیق رضی الله عنه دفن گردید.

حضرت عمر فاروق رضی الله عنه نیز از جمله ده کسانی بودند که رسول الله صلی الله علیه وسلم آنان را به هشت بشارت دادند. هر کس، وی رضی الله عنه را -العیاذ بالله-، کافر یا مرتد بداند و یا در ایمان وی شک کند، در حقیقت رسول الله صلی الله علیه وسلم را در بشارت وی رضی الله عنه به هشت تکذیب می‌نماید و همچنان آیات و احادیثی را که در فضیلت اصحاب کرام بطور عام و در فضیلت و ایمان صادق و راستین عمر فاروق رضی الله عنه بطور خاص آمده است، تکذیب می‌کند، و در نتیجه، این شخص از ملت خارج می‌گردد.

## حضرت عثمان بن عفان رضی الله عنه

نام ایشان عثمان بن عفان بن ابی العاص بن امیه و از قبیله قریش بود. ایشان در سال ششم عام الفیل یعنی شش سال بعد از تولد پیامبر صلی الله علیه وسلم به دنیا آمده بود. کنیه‌شان ابوعبد الله و ابو عمرو بود.

همه مردم عثمان را دوست داشتند و ایشان شخص خیلی با حیا بود و رسول الله صلی الله علیه وسلم درباره وی فرمودند: «آیا من از مردی حیا نکم که فرشتگان از او حیا دارند» [روایت مسلم].

عثمان رضی الله عنه مرد میانه، دارای قامتی نه بلند و نه کوتاه، بود. چهره‌اش زیبا و سفید مایل به سرخی بود. عثمان رضی الله عنه پنجمین شخصی بود که به رسول الله صلی الله علیه وسلم اسلام آورد.

عثمان رضی الله عنه شخص غنی و ثروتمند بود. ایشان جان و مال خود را فدای رسول الله صلی الله علیه وسلم نمود. بعد از هجرت به مدینه، زمانی که آب از اساسی و مهمترین ضرورت زندگی مردم بود که به وسیله آن زندگی می‌کردند و حیوانات خود را از آن سیراب می‌نمودند، و شهر مدینه از آب شیرین کمی برخوردار بود و تنها چاهی بنام "بئر رومه" آب شیرین کافی داشت که مالک آن هر دلو آب این چاه را به چندین درهم می‌فروخت، و مردم به ستوه آمده بودند. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: چه کسی بئر رومه را در مقابل جنت خریداری می‌کند؟ عثمان رضی الله عنه آن چاه را به مبلغ زیادی خریداری کرده و برای مسلمانان وقف نمود و تا کنون آن چاه در مدینه منوره وجود دارد و مردم از آب آن استفاده می‌کنند.

یکی از افتخارات دیگر عثمان رضی الله عنه این است که با دو دختر پیامبر صلی الله علیه وسلم (رقیه و ام کلثوم رضی الله عنهما) ازدواج نموده بود؛ یعنی بعد از وفات یکی با دیگری ازدواج کرد به این سبب "ذی النورین" گفته می‌شود.

عثمان بن عفان رضی الله عنه بعد از شهادت حضرت عمر فاروق رضی الله عنه در سال 23 هجری به صفت سومین خلیفه مسلمانان تعیین گردید. خلافت اسلامی در زمان عثمان رضی الله عنه شاهد فتوحات زیادی همچو فتح مرو، ترکیه، اسکندریه، ارمنیا، قفقاز، افریقا و قبرص بود.

عثمان بن عفان رضی الله عنه در سال 35 هجری در حالی که قرآن کریم تلاوت می‌نمود از طرف اهل فتنه به شهادت رسید. ابن عمر رضی الله عنهما می‌فرماید که رسول الله صلی الله علیه وسلم درباره فتنه‌ای صحبت می‌کرد، شخصی از آنجا گذشت، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: این شخص در آن فتنه مظلومانه به شهادت می‌رسد. وقتی مشاهده کردیم او عثمان رضی الله عنه بود.

حضرت عثمان بن عفان رضی الله عنه نیز از جمله ده کسانی بودند که رسول الله صلی الله علیه وسلم آنان را به هشت بشارت دادند. هر کس، وی رضی الله عنه را -العیاذ بالله-، کافر یا مرتد بداند و یا در ایمان وی شک کند، در حقیقت رسول الله صلی الله علیه وسلم را در بشارت وی رضی الله عنه به هشت تکذیب می‌نماید و همچنان آیات و احادیثی را که در فضیلت اصحاب کرام بطور عام و در فضیلت و ایمان صادق و راستین عثمان بن عفان رضی الله عنه بطور خاص آمده است، تکذیب می‌کند، و در نتیجه، این شخص از ملت خارج می‌گردد.

## حضرت علی بن ابی طالب رضی الله عنه

نام ایشان علی بن ابی طالب بود. ایشان که پسر عمو (کاکای) رسول الله صلی الله علیه وسلم بود، سی سال بعد از پیامبر صلی الله علیه وسلم متولد شد. ایشان اولین طفلی بود که به رسول الله صلی الله علیه وسلم ایمان آورد. ابوطالب پدر علی رضی الله عنه، شخص فقیر و تنگدست و دارای فرزندان زیادی بود. علی رضی الله عنه را پیامبر صلی الله علیه وسلم به خانه خود برد و به تربیت او پرداخت. علی رضی الله عنه قبل از بعثت، اکثراً همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌بود.

علی رضی الله عنه از جمله کسانی بود که هرگز بت را نپرستیده و به آن سجده نکرده بود، چون او در کودکی و به سن ده سالگی یک روز بعد از بعثت رسول الله صلی الله علیه وسلم اسلام را پذیرفت.

علی رضی الله عنه از اوان کودکی شخص شجاع بود. روزی پیامبر صلی الله علیه وسلم خویشاوندان خود را برای صرف نهار به خانه خود دعوت نمود و تلاش کرد که آن‌ها را به دین اسلام دعوت کند. در روز اول ابو لهب کاکای رسول الله صلی الله علیه وسلم مانع سخنان رسول الله صلی الله علیه وسلم شد و نگذاشت مردم ایمان بیاورند. روز بعدی رسول الله صلی الله علیه وسلم آنان را دوباره دعوت کرد. آن‌ها بار دیگر از پیامبر صلی الله علیه وسلم روگردانده و او را ترک گفتند اما علی رضی الله عنه که آن زمان کودک بیش نبود در میان همه آن اشراف و بزرگان قوم ایستاد و گفت: ای پیامبر! من تو را کمک می‌کنم، هر کس با تو بجنگد من با او می‌جنگم.

علی رضی الله عنه در سال دوم هجری، با فاطمه رضی الله عنها دختر رسول الله صلی الله علیه وسلم ازدواج نمود. ایشان صاحب فرزندی شدند، ابتدا او را حرب نامید اما پیامبر صلی الله علیه وسلم نام او را حسن گذاشت. به تعقیب وی، علی رضی الله عنه صاحب دو فرزند دیگر به نام‌های حسین و زینب رضی الله عنها نیز گردید. پیامبر صلی الله علیه وسلم، پدر بزرگ آن‌ها، با آن‌ها شوخی و بازی می‌کرد.

علی رضی الله عنه در زمان خلافت عمر بن الخطاب و عثمان بن عفان -رضی الله عنهم اجمعین- منحیث قریب‌ترین فرد به خلیفه مسلمانان نقش خود را در پیشبرد امور خلافت ایفا می‌کرد. علی رضی الله عنه بعد از شهادت حضرت عثمان بن عفان رضی الله عنه در سال 35 هجری به حیث چهارمین خلیفه مسلمانان اختیار گردید و در سال 40 هجری به دست عبد الرحمن بن ملجم -یکی از خوارج- در شهر کوفه به شهادت رسید و در جایی پنهانی دفن گردید.

حضرت علی بن ابی طالب رضی الله عنه نیز از جمله ده کسانی بودند که رسول الله صلی الله علیه وسلم آنان را به مهشت بشارت دادند. هر کس، وی رضی الله عنه را -العیاذ بالله-، کافر یا مرتد بداند و یا در ایمان وی شک کند، در حقیقت رسول الله صلی الله علیه وسلم را در بشارت وی رضی الله عنه به مهشت تکذیب می‌نماید و همچنان آیات و احادیثی را که در فضیلت اصحاب کرام بطور عام و در فضیلت و ایمان صادق و راستین علی بن ابی طالب رضی الله عنه بطور خاص آمده است، تکذیب می‌کند، و در نتیجه، این شخص از ملت خارج می‌گردد.

## حضرت ابو عبیده بن جراح رضی الله عنه

نام ایشان عامر بن عبد الله بن الجراح است و کنیه‌اش شان ابو عبیده می‌باشد. ایشان یکی از افرادی است که در ابتدای دعوت اسلامی، بدست ابوبکر صدیق رضی الله عنه به اسلام مشرف شد و در غزوه‌های زیادی همراه با پیامبر صلی الله علیه وسلم اشتراک نمود.

ایشان در غزوه احد، وقتی با دندان خود تیری را که به صورت پیامبر صلی الله علیه وسلم فرو رفته بود محکم کشید که به پشت سر افتاد و به همین سبب دندان‌هایش شکست. عمر رضی الله عنه می‌گفت: مردی که دندان‌های پیشینش از پایین شکسته باشد زیباتر و خوش قیافه‌تر از ابو عبیده ندیده‌ام.

وقتی ابو عبیده رضی الله عنه اسلام آورد مردم به پدرش طعنه دادند که پسرش مسلمان شده است تا اینکه پدر به خشم آمد و شمشیرش را گرفت و قصد کشتن پسر خود را کرد اما ابو عبیده رضی الله عنه از اسلام دست برداشت و در آن ثابت قدم ماند تا اینکه جایگاه محمی را در اسلام و میان مسلمانان کسب نمود و توسط رسول اکرم صلی الله علیه وسلم به محبت مزده داده شد. ابو عبیده رضی الله عنه در جنگ بدر وقتی پدرش در صف کفار و در مقابل الله متعال و رسول او صلی الله علیه وسلم می‌جنگید با او روبرو شد و کشته شد. الله متعال در تأیید و توصیف این موقف وی این آیه کریمه را نازل فرمود: ﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [المجادلة: 22] «(ای پیامبر!) هیچ قومی را که ایمان به الله و روز قیامت دارند نمی‌یابی که با کسانی که با الله و رسولش (دشمنی و) مخالفت می‌ورزند، دوستی کنند، اگرچه پدران‌شان یا فرزندان‌شان یا برادران‌شان یا خویشاوندان‌شان باشند، آن‌ها کسانی هستند که الله ایمان را در دل‌های‌شان نوشته است، و به روحی از جانب خود آن‌ها را تقویت (و تأیید) نموده است، و آن‌ها را به باغ‌هایی (از محبت) وارد می‌کند که نهرها از زیر (درختان) آن جاری است، جاودانه در آن می‌مانند، الله از آن‌ها خشنود است، و آن‌ها (نیز) از الله خشنودند، آن‌ها گروه الله هستند، آگاه باشید (و بدانید) همانا گروه الله رستگارانند».. ابو عبیده رضی الله عنه در جنگ ذات السلاسل فرماندهی لشکر ککی را بدوش داشت که در آن لشکر ابوبکر صدیق و عمر بن الخطاب رضی الله عنهما نیز بودند.

مردم منطقه نجران نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمدند و گفتند برای ما شخص امینی را بفرست، برایشان فرمود: به تحقیق بسوی شما شخص امینی را می‌فرستم که واقعا امین است. مردم منتظر بودند که این شخص کی باشد، سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم ابو عبیده رضی الله عنه را به آنجا فرستاد و از همان وقت به "امین امت" لقب یافت. رسول الله صلی الله علیه وسلم درباره وی فرمودند: «هر امتی امینی دارد و امین امت من ابو عبیده بن جراح است» [صحیح بخاری].

بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه وسلم، وقتی مردم در سقیفه بنی ساعده برای انتخاب جانشینی برای پیامبر صلی الله علیه وسلم جمع شدند، ابو عبیده رضی الله عنه در میان انصار ایستاد و گفت: «ای گروه انصار! شما اولین کسانی بودید که پیامبر را کمک و پشتیبانی نمودید مبادا اولین کسانی باشید که بعد از او تغییر کرده و ایجاد اختلاف نمائید». این سخنان ایشان آرامش مردم را بازگرداند و دل‌های انصار تسکین یافت و آنان با ابوبکر صدیق رضی الله عنه بیعت کردند.

ابو عبیده بن جراح رضی الله عنه در سال 18 هجری به عمر 58 سالگی به سبب مرض طاعون در سرزمین شام درگذشت. ایشان نیز از جمله ده کسانی بودند که رسول الله صلی الله علیه وسلم آنان را به محبت بشارت دادند. هر کس، وی رضی الله

عنه را -العیاذ بالله-، کافر یا مرتد بداند و یا در ایمان وی شک کند، در حقیقت رسول الله صلی الله علیه وسلم را در بشارت وی رضی الله عنه به هشت تکذیب می نماید و همچنان آیات و احادیثی را که در فضیلت اصحاب کرام بطور عام و در فضیلت و ایمان صادق و راستین ابو عبیده رضی الله عنه بطور خاص آمده است، تکذیب می کند، و در نتیجه، این شخص از ملت خارج می گردد.

\* \* \* \* \*

## حضرت زبیر بن عوام رضی الله عنه

ایشان زبیر بن عوام بن خویلد نام داشتند و 28 سال قبل از هجرت در مکه تولد شد. ایشان برادر زاده ام المومنین خدیجه رضی الله عنها و پسر عمه رسول الله صلی الله علیه وسلم بود.

زبیر رضی الله عنه در کودکی یتیم شد و مادرش صفیه دختر عبدالمطلب تربیت فرزندش را به دوش گرفت. او فرزند خود را با برادر خود حمزه بن عبدالمطلب (کاکای رسول الله صلی الله علیه وسلم)، به شکار و جنگ می فرستاد، و گاهی او را سخت تنبیه بدنی میکرد، و مردم مادرش را سرزنش می کردند اما او می گفت که می خواهد به فرزندش جوامردی و صلابت را بیاموزد. زبیر رضی الله عنه چون جوان شد چنان قهرمان و سوارکار ماهری گشت که زبازند همه قرار گرفت.

زبیر رضی الله عنه در سن شانزده سالگی بدست ابوبکر صدیق رضی الله عنه مشرف به اسلام شد. کاکای زبیر رضی الله عنه وی را به گونه های مختلف شکنجه می کرد تا اسلام را ترک کند؛ گاهی او را در بویا می پیچاند و اطراف او را آتش می زد و قریب می شد که وی در اثر دود آتش خفه شود مگر باز هم به دین خود استوار باقی ماند.

زبیر رضی الله عنه با اساء دختر ابوبکر رضی الله عنها ازدواج کرد. آنان صاحب فرزندی به نام عبد الله شدند. عبد الله اولین فرزندی بود که در دوران هجرت به دنیا آمد.

حضرت زبیر رضی الله عنه یکی از قهرمانان اسلام بود، در تمام غزوات با پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم همراه بود؛ و در غزوه بدر فقط او و مقداد بن اسود بودند که دو اسب داشتند، و در روز فتح مکه، او پرچمدار یکی از سه پرچم مهاجرین بود. و او کسی بود که فرشتگان در شکل و سیایش در بدر نازل شدند. در روز غزوه بدر، حضرت زبیر عامه زردرنگی بر سر داشت. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «امروز فرشته های الهی در شکل و سیای زبیر به بدر آمده اند». و در غزوه بنی قریظه، هنگامی که محاصره طولانی شد، رسول الله صلی الله علیه وسلم حضرت علی و حضرت زبیر را برای فتح قلعه مأموریت دادند. آنان از بالای دیوار به داخل قلعه رفتند. محمودی ها از این شجاعت آنان مرعوب شده و فتح نصیب مسلمانان شد. او کسی بود که از رسول اکرم صلی الله علیه وسلم افتخار لقب "حواری رسول الله" و مدال «فداک آبی و آبی» را کسب نموده بود. حضرت زبیر رضی الله عنه جزو شورای شش نفره ای بود که حضرت عمر رضی الله عنه امر خلافت را به آنان واگذار کرده بود.

زبیر رضی الله عنه در سال 36 هجری در حالی که مشغول ادای نماز بود، شخصی بنام عمرو بن جرموز، او را از عقب، با تیری زده و به شهادت رسانید. وقتی علی رضی الله عنه از شهادت ایشان اطلاع یافتند خیلی خشمگین شدند و گفتند: قاتل زبیر را به جهنم بشارت بدهید. روافض (شیعه ها) به این عقیده اند که زبیر رضی الله عنه بخاطر مطالبه قضاص قاتلین عثمان رضی الله عنه از علی رضی الله عنه کافر شده بود.

ایشان نیز از جمله ده کسانی بودند که رسول الله صلی الله علیه وسلم آنان را به محشت بشارت دادند. هر کس، وی رضی الله عنه را -العیاذ بالله، کافر یا مرتد بداند و یا در ایمان وی شک کند، در حقیقت رسول الله صلی الله علیه وسلم را در بشارت وی رضی الله عنه به محشت تکذیب می نماید و همچنان آیات و احادیثی را که در فضیلت اصحاب کرام بطور عام و در فضیلت و ایمان صادق و راستین زبیر رضی الله عنه بطور خاص آمده است، تکذیب می کند، و در نتیجه، این شخص از ملت خارج می گردد.

## حضرت طلحه بن عبید الله رضی الله عنه

نام ایشان طلحه بن عبید الله بن عثمان قریشی و کنیه شان ابو محمد بود. طلحه رضی الله عنه، 28 سال قبل از هجرت، در مکه مکرمه تولد شد. او داماد ابوبکر صدیق رضی الله عنه بود و با دختر وی ام کلثوم عروسی کرده بود. طلحه رضی الله عنه از بزرگان و شخصیت‌های پر نفوذ در میان قریش بود. ایشان شخص تاجر، ثروتمند سخی بود. ایشان در سخا و مصرف کردن مال خود بر مستحقین و بیچارگان نام داشت. در بعضی روایات آمده است که ایشان یکبار مالی را به قیمت 700 هزار درهم به فروش رسانیده بود و شب در اندوه آن پول به خواب نرفت تا اینکه فردا آنرا همه بالای فقرا و نیازمندان توزیع کرد.

طلحه بن عبید الله رضی الله عنه برای تجارت به بازار بصری رفته بود. در آنجا راهبی (کسانی را که قبل از اسلام گوشه نشینی کرده و عبادت الله متعال را می‌کردند راهب می‌گفتند) را ملاقات کرد. راهب طلحه رضی الله عنه را از قرب بعثت پیامبر آخر زمان در مکه خبر داد. طلحه رضی الله عنه چون به مکه بازگشت از بعثت پیامبر علیه السلام و ایمان ابوبکر رضی الله عنه به وی اطلاع یافت. وی همراه با ابوبکر رضی الله عنه نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم رفتند و طلحه رضی الله عنه اسلام خود را اعلان کرد و ایشان را از حکایت راهب نیز اطلاع داد.

طلحه رضی الله عنه در همه غزوات بجز غزوه بدر با رسول الله صلی الله علیه وسلم اشتراک کرد. در زمان غزوه بدر رسول الله صلی الله علیه وسلم ایشان را به وظیفه دیگری خارج از مدینه فرستاده بود اما رسول الله صلی الله علیه وسلم سهم شانرا از غنیمت‌های بدر داد و به این ترتیب ایشان از جمله بدری‌ها بشمار می‌رود. رسول الله صلی الله علیه وسلم در وصف ایشان فرمودند: «هرکس دوست دارد به شهیدی بنگرد که در روی زمین راه می‌رود به طلحه بن عبیدالله نگاه کند» [سنن الترمذی].

در غزوه احد وقتی مسلمانان با شکست مواجه شدند طلحه بن عبید الله رضی الله عنه از جمله کسانی بودند که بخاطر حفاظت و دفاع از رسول الله صلی الله علیه وسلم با وی باقی ماندند. ایشان در دفاع از رسول الله صلی الله علیه وسلم حدود هفتاد ضربه شمشیر و نیزه خورده بود و یک دستش فلج شده بود.

طلحه رضی الله عنه در سال 36 هجری، هنگام جنگ جمل به شهادت رسید. علی رضی الله عنه هنگامی که در میدان نبرد در میان کشته شدگان قدم می‌زد او را دید و شروع به پاک کردن خاک از چهره اش کرد و گفت: ای ابو محمد، برای من بسیار دشوار است تو را در حالی بینم که بر زمین افتاده‌ای. سپس فرمود: از غم و اندوهی که در درون من موج می‌زند به خدا شکایت می‌کنم. سپس بر او رحمت فرستاد و گفت: ای کاش من بیست سال قبل از این می‌مردم.

طلحه بن عبید الله رضی الله عنه نیز از جمله ده کسانی بودند که رسول الله صلی الله علیه وسلم آنان را به محشت بشارت دادند. هر کس، وی رضی الله عنه را -العیاذ بالله، کافر یا مرتد بداند و یا در ایمان وی شک کند، در حقیقت رسول الله صلی الله علیه وسلم را در بشارت وی رضی الله عنه به محشت تکذیب می‌نماید و همچنان آیات و احادیثی را که در فضیلت اصحاب کرام بطور عام و در فضیلت و ایمان صادق و راستین طلحه رضی الله عنه بطور خاص آمده است، تکذیب می‌کند، و در نتیجه، این شخص از ملت خارج می‌گردد.

## حضرت سعید بن زید رضی الله عنه

نام ایشان سعید بن زید بن عمرو بن نفیل بن عبدالعزی است. ایشان 22 سال قبل از هجرت تولد شد و یکی از کسانی است که در اوایل بعثت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم، همراه با خاتم خود، فاطمه بنت الخطاب رضی الله عنها اسلام آوردند. ایشان پسر کاکای عمر بن الخطاب رضی الله عنه و شوهر همشیره یکدیگر بودند. حکایت اسلام سعید بن زید رضی الله عنه خیلی مشهور است. چنانچه ایشان و خاتم شان از بیم عمر بن الخطاب رضی الله عنه که تاهنوز مسلمان نشده بود، اسلام خود را پنهان می کردند و هنگامی عمر رضی الله عنه از اسلام آوردن آنان اطلاع یافت به خانه آنان رفت و آنان را مورد لت و کوب قرار داد مگر در نهایت این واقعه، باعث مشرف شدن عمر رضی الله عنه به اسلام گردید.

سعید رضی الله عنه در تمامی غزوات بجز غزوه بدر همراه با رسول الله صلی الله علیه وسلم اشتراک نموده است. هنگام غزوه بدر، رسول الله صلی الله علیه وسلم به ایشان و طلحه بن عبید الله رضی الله عنه، مسئولیت دیگری خارج از مدینه سپرده بود، بنابراین آنان مستقیماً در غزوه بدر شامل نبودند اما رسول الله صلی الله علیه وسلم سهم شانرا از اموال غنیمت غزوه بدر به آنان داد و به همین سبب آنان از جمله بدری ها نیز بشمار می روند.

سعید بن زید رضی الله عنه بعد از وفات رسول الله صلی الله علیه وسلم از اولین کسانی بود که با هر چهار خلفای راشدین بیعت کرد و در اکثر لشکرهایی که توسط آنان به جاهای مختلف فرستاده می شد منحیت یک مجاهد عادی اشتراک می کرد. بعد از محاصره دمشق و فتح آن، ابو عبیده بن الجراح رضی الله عنه ایشان را نایب خود بر دمشق تعیین کرد. ایشان با حضرت معاویه رضی الله عنه نیز بعد از صلح با حضرت حسن رضی الله عنه بیعت کرد اما از بیعت با فرزندش یزید بن معاویه ابا ورزید.

با وجود شرف و فضیلتی که سعید بن زید رضی الله عنه در میان صحابه داشت، و از جمله ده نفری بود که رسول الله صلی الله علیه وسلم به آنها مژده هشت را داده بودند، عمر رضی الله عنه ایشان را در شورای شش نفری که مسئولیت اختیار خلیفه سوم مسلمانان را بعد از شهادت عمر رضی الله عنه بدوش داشتند اختیار نکرد تا مردم گمان نکنند وی پسر کاکا و شوهر خواهر خود را در چنین شورایی، گماشته است. سعید بن زید رضی الله عنه همیشه از موضع اختلاف و فتنه دوری می کردند.

سعید بن زید رضی الله عنه در روز جمعه، سال پنجاه و یک هجری در منطقه عقیق در گذشت سپس به مدینه منوره انتقال داده شد. سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه وی را غسل داد و همراه با عبد الله بن عمر رضی الله عنها جسد ایشان را در قبر گذاشتند.

سعید بن زید رضی الله عنه نیز از جمله ده کسانی بودند که رسول الله صلی الله علیه وسلم آنان را به هشت بشارت دادند. هر کس، وی رضی الله عنه را -العیاذ بالله-، کافر یا مرتد بداند و یا در ایمان وی شک کند، در حقیقت رسول الله صلی الله علیه وسلم را در بشارت وی رضی الله عنه به هشت تکذیب می نماید و همچنان آیات و احادیثی را که در فضیلت اصحاب کرام بطور عام و در فضیلت و ایمان صادق و راستین سعید بن زید رضی الله عنه بطور خاص آمده است، تکذیب می کند، و در نتیجه، این شخص از ملت خارج می گردد.



## حضرت عبدالرحمن بن عوف رضی الله عنه

نام ایشان عبد الرحمن بن عوف بن عبد عوف قرشی است. نام ایشان در جاهلیت عبد عمرو بود و بعد از مشرف شدن به اسلام، رسول الله صلی الله علیه وسلم ایشان را عبد الرحمن نامیدند. کنیه‌شان ابو محمد است.

ایشان بعد از ده سال از ولادت سرور کائنات تولد شد و از جمله کسانی بود که در اوایل بدست ابوبکر صدیق رضی الله عنه به اسلام مشرف شد. چنانچه ایشان از جمله شش نفری بود که عمر فاروق رضی الله عنه آنان را برای تصمیم‌گیری درباره خلیفه بعدی اختیار کرده بود. از جمله افتخارات ایشان این بود که در غزوه تبوک رسول الله صلی الله علیه وسلم برای وضو کردن بیرون شدند و اندکی تأخیر شد. صحابه عبد الرحمن بن عوف رضی الله عنه را برای امامت نماز پیش کردند. رسول الله صلی الله علیه وسلم در رکعت دوم رسیدند و به ایشان اقتدا کردند. بعد از نماز وقتی صحابه دیدند که رسول الله صلی الله علیه وسلم در صف آخر نماز خود را تکمیل می‌کند همه نگران شدند و آغاز به تسبیح گفتن کردند. وقتی رسول الله صلی الله علیه وسلم نماز خود را تکمیل کردند فرمودند: کار نیکی کردند. چنانچه رسول الله صلی الله علیه وسلم در یک رویداد جداگانه بر شهید بودن وی گواهی دادند و کوه حراء را امر کردند تا نجسند و فرمودند که بالای تو بجز نبی، صدیق و یا شهید کس دیگری وجود ندارند و عبد الرحمن بن عوف رضی الله عنه از جمله حاضرین در آنجا بود.

عبد الرحمن بن عوف رضی الله عنه شخص غنی و ثروتمند بود و الله متعال ایشان را توفیق انفاق بیشمار در راه دین را داده بود. ایشان یکبار در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم چهار هزار دینار که نصف سرمایه‌شان بود در راه الله متعال انفاق کرد. در دور بعدی وی چهل هزار دینار، و یکبار مالی که بر پنجصد اسپ بار بود و بار دیگری مالی که بر یک هزار و پنجصد اسپ بار بود را صدقه کرد. گفته می‌شود که ایشان در یک روز 30 غلام را نیز آزاد کرد.

ایشان در همه غزوات اشتراک کرد و منزلت بزرگی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم و خلفای راشدین داشت. حضرت عمر و حضرت عثمان رضی الله عنهما در زمان خلافت‌شان همیشه از وی مشوره می‌گرفتند. ایشان کسی بود که برای خلافت مسلمانان بعد از عمر رضی الله عنه پیشنهاد شد مگر نپذیرفت بلکه موافقه عثمان و علی رضی الله عنهما را اخذ کرد که وی از میان‌شان یکی را به صفت خلیفه اختیار می‌کند. سپس با مردم مشوره کرد و در نتیجه عثمان رضی الله عنه را بصف خلیفه مسلمانان اختیار کرد.

ایشان در سال 32 هجری وفات نمود و قبل از وفات به تمام کسانی که از اهل بدر زنده مانده بودند و تعدادشان به صد تن می‌رسد چهار چهار صد دینار بشمول عثمان و علی رضی الله عنهما توزیع کرد. چنانچه ایشان مال وافر را به امهات المومنین نیز توصیه کرد. جنازه ایشان به امامت حضرت عثمان بن عفان رضی الله عنه ادا شده و در جنت البقیع دفن شد.

عبد الرحمن بن عوف رضی الله عنه نیز از جمله ده کسانی بود که رسول الله صلی الله علیه وسلم آنان را به محشت بشارت دادند. هر کس، وی رضی الله عنه را -العیاذ بالله-، کافر یا مرتد بداند و یا در ایمان وی شک کند، در حقیقت رسول الله صلی الله علیه وسلم را در بشارت وی رضی الله عنه به محشت تکذیب می‌نماید و همچنان آیات و احادیثی را که در فضیلت اصحاب کرام بطور عام و در فضیلت و ایمان صادق و راستین عبد الرحمن بن عوف رضی الله عنه بطور خاص آمده است، تکذیب می‌کند، و در نتیجه، این شخص از ملت خارج می‌گردد.

## حضرت سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه

نام ایشان سعد بن مالک بن اهییب قرشی است. یکی از اولین افرادی است که به اسلام مشرف شد. ایشان در تمامی غزوات همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم شرکت داشتند و نیز یکی از اعضای شورای شش نفره بود که عمر رضی الله عنه آنها را برای تعیین خلیفه بعد از خود، اختیار کرده بود.

سعد رضی الله عنه در هفده سالگی به دین اسلام مشرف شد. مادرش شدیداً از اسلام آوردن وی خشمگین گردید. سعد رضی الله عنه با مادر خویش به مهربانی رفتار می کرد. مادرش خیلی تلاش کرد تا وی از اسلام روی گرداند و در این راستا، وی را تهدید کرد که اگر از اسلام باز نگردد، مادرش تا دم مرگ، دست به آب و غذا نمی زند. عملاً چنین شد و مادر اعتصاب غذایی نموده و چند روزی آب و غذا نخورد تا اینکه خیلی ضعیف شد. سعد رضی الله عنه تلاش کرد تا وی را مانع شود اما نتوانست بالاخره برایش سوگند یاد کرد که اگر هزار جان داشته باشد و یکی را پس از دیگری از دست بدهد فرزندش دین خود را ترک نمی کند. مادر بعد از شنیدن این سخن اعتصاب غذایی خود را ترک گفت و الله متعال در مورد سعد رضی الله عنه این آیت را نازل نمود: ﴿وَإِنْ جَهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبَتُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا﴾ [البقره: 15]. «اگر والدین تلاش کنند که تو با من کسی را شریک بگیری که درباره آن علم نداری، از آنان اطاعت نکن، و در دنیا با آنان به شایستگی رفتار کن». علاوه بر این، احکام زیادی در اسلام مانند انفال (غنائم)، وصیت در مال قبل از وفات و تحریم خمر به سبب سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه نازل گردیده است.

سعد رضی الله عنه اولین کسی بود که در راه الله متعال تیر خود را به هدف دشمن رها کرد. و اولین کس از جمله دو تن در اسلام بود که رسول الله صلی الله علیه وسلم برایشان گفت "پدر و مادرم فدای تو باد". سعد رضی الله عنه از جمله کسانی بود که همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم در بالای حراء قرار داشتند و رسول الله صلی الله علیه وسلم گواهی شهادت شان را داد. ایشان هنگام خلافت عمر و عثمان رضی الله عنهما والی کوفه مقرر شدند و عمر رضی الله عنه بعد از تعیین وی فرمود: پادشاهان فرس را با پادشاهان عرب می زنم.

سعد رضی الله عنه در سال پنجاه و هفت هجری وفات نمود و در مسجد پیامبر صلی الله علیه وسلم بر او نماز خوانده شد. او وصیت کرده بود تا او را در جبهه ای پشیمی کفن کنند زیرا وی در جنگ بدر همین جبهه را پوشیده بود و با مشرکین می جنگید و آن را برای چنین روزی مخفی نگاه داشته بود. سعد رضی الله عنه آخرین فرد از مهاجرین بود که وفات نمود.

سعد رضی الله عنه نیز از جمله ده کسانی بودند که رسول الله صلی الله علیه وسلم آنان را به هشت بشارت دادند. هر کس، وی رضی الله عنه را -العیاذ بالله-، کافر یا مرتد بداند و یا در ایمان وی شک کند، در حقیقت رسول الله صلی الله علیه وسلم را در بشارت وی رضی الله عنه به هشت تکذیب می نماید و همچنان آیات و احادیثی را که در فضیلت اصحاب کرام بطور عام و در فضیلت و ایمان صادق و راستین سعد رضی الله عنه بطور خاص آمده است، تکذیب می کند، و در نتیجه، این شخص از ملت خارج می گردد.

## ام المومنین خدیجه بنت خویلد رضی الله عنها

نام ایشان خدیجه بنت خویلد بن اسد بن عبد العزی بن قصی می باشد که قصی، جد چهارم پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم، می باشد. بنابراین، حضرت خدیجه نیز با چند واسطه دختر کاکای پیامبر صلی الله علیه وسلم بود. ایشان پانزده سال قبل از ولادت رسول الله صلی الله علیه وسلم در مکه مکرمه تولد شد.

مادر مومنان خدیجه رضی الله عنها در قوم قریش دارای محترمین نسب، بالاترین شرافت و بیشترین ثروت بود. ایشان مالهای تجارت خود را به شام و یمن می فرستاد و همیشه در تلاش بود تا شخص امین و قابل اعتمادی را برای پیشبرد امور تجارت خود پیدا کند. وی درباره صدق و امانت رسول الله صلی الله علیه وسلم شنید و برایشان پیشنهاد کرد تا امور تجارت شان را بدست بگیرند. رسول الله صلی الله علیه وسلم این پیشنهاد را پذیرفتند. خدیجه رضی الله عنه از اخلاق، امانت و تعامل نیکوی رسول الله صلی الله علیه وسلم و همچنان از حکایات رسول الله صلی الله علیه وسلم که غلام ایشان که رسول الله صلی الله علیه وسلم را در سفر تجارت همراهی می کرد متأثر شد و پیشنهاد عروسی کرد. رسول الله صلی الله علیه وسلم هم پیشنهاد ایشان را پذیرفت و در سن بیست و پنج سالگی در حالی که خدیجه رضی الله عنها چهل سال عمر داشت با ایشان ازدواج کردند. خدیجه رضی الله عنها زندگی قبل از بعثت رسول الله صلی الله علیه وسلم را نیز همایشان یکجا سپری کرد و نشانه های نبوت را در شخصیت مبارک شان مشاهده می کرد.

ام المومنین خدیجه رضی الله عنها اولین کسی از زنان و مردان بود که به رسول الله صلی الله علیه وسلم ایمان آورد، ایشان را نزد پسر کاکای خود ورقه بن نوفل برد که وی به رسول الله صلی الله علیه وسلم بشارت داد که پیامبر این امت است. خدیجه رضی الله عنها رسول الله صلی الله علیه وسلم را در دشوارترین مراحل زندگی بعد از بعثت و دعوت بسوی الله متعال با جان و مال همکاری کرد. رسول الله صلی الله علیه وسلم ایشان را بر همه زنان خویش ترجیح می دادند. تمامی فرزندان رسول الله صلی الله علیه وسلم جز ابراهیم از ایشان تولد شدند.

رسول الله صلی الله علیه وسلم در حیات ایشان با زن دیگری ازدواج نکردند. و پس از وفات ایشان، همیشه ایشان را به خوبی یاد می کردند و می ستودند، و حتی بعد از وفات خدیجه رضی الله عنها، با دوستان ایشان نیز روابط خیلی نزدیک داشتند و آنها را قدر و عزت می کردند و از آنها به خوبی پذیرایی می نمودند. ام المومنین عایشه صدیقه رضی الله عنها می فرماید: «رشکی که از خدیجه می بردم از هیچ یک از همسران پیامبر صلی الله علیه وسلم نمی بردم، گرچه او را ندیده بودم، رسول الله صلی الله علیه وسلم همیشه از او یاد می کرد، و وقتی گوسفندی را ذبح می کرد و آن را قطعه قطعه می نمود و برای دوستان خدیجه می فرستاد. باری به رسول الله صلی الله علیه وسلم گفتم: آیا جز خدیجه زنی در دنیا نبوده است؟ فرمودند: او چنین و چنان بود (یعنی از ایشان تعریف می کرد) و فرزندانم از او است».

رسول الله صلی الله علیه وسلم درباره فضیلت خدیجه رضی الله عنها فرمودند: «محترمین زن از آنان (اقوام گذشته) مریم و از این امت خدیجه است».

خدیجه رضی الله عنها کسی است که جبریل علیه السلام سلام خود و الله متعال را به وی وسیله شده است و ایشان را به خانه ای از مروارید در بهشت که سر و صدا و خستگی در آن نیست، مژده داده است.

خدیجه رضی الله عنها سه سال قبل از هجرت پیامبر صلی الله علیه وسلم به مدینهء منوره و سه روز بعد از وفات ابو طالب، کاکای رسول الله صلی الله علیه وسلم، وفات کرد. این دو رویداد پیهم باعث غم و اندوه بزرگی برای رسول الله صلی الله علیه وسلم گردیده بود.

\* \* \* \* \*

## عائشه بنت ابی بکر صدیق رضی الله عنها

ایشان عائشه دختر ابوبکر صدیق رضی الله عنها بود و چهار سال پس از بعثت رسول الله صلی الله علیه وسلم به دنیا آمد. ایشان یگانه دختر باکره بودند که رسول الله صلی الله علیه وسلم با ایشان ازدواج کردند.

بعد از وفات بی بی خدیجه رضی الله عنها سه شب عائشه رضی الله عنها در خواب به رسول الله صلی الله علیه وسلم نشان داده شد و تصویر ایشان را فرشته در پارچه ابریشمی برای رسول الله صلی الله علیه وسلم آورد و گفت این همسر توست. از اینجا بود که رسول الله صلی الله علیه وسلم ایشان را از پدر بزرگوارشان ابوبکر صدیق رضی الله عنه خواستگاری کرد. ایشان محبوبترین همسران رسول الله صلی الله علیه وسلم پس از خدیجه رضی الله عنها بود.

از رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسیده شد: محبوبترین مردم نزد شما کیست؟ فرمودند: عائشه. پرسیده شد: از مردان؟ فرمودند: پدر عائشه.

عائشه رضی الله عنها نیز مانند خدیجه رضی الله عنها، افتخار سلام دادن جبریل علیه السلام به ایشان را دارد؛ چنانچه روزی رسول الله صلی الله علیه وسلم برایش فرمودند: ای عائشه! این جبرئیل است به تو سلام میگوید. و ایشان یگانه همسر رسول الله صلی الله علیه وسلم بود که در رختخواب ایشان به رسول الله صلی الله علیه وسلم وحی نازل گردیده است.

آیتی در قرآن کریم نازل شد که همسران رسول الله صلی الله علیه وسلم را اختیار می داد که اگر زندگی و مال و متاع دنیا را دوست دارند رسول الله صلی الله علیه وسلم آنان را آزاد می کند و اگر الله متعال، رسول او و آخرت را خوش دارند آنان اجر بزرگی را نصیب می شوند. عائشه رضی الله عنها اولین همسری بود که رسول الله صلی الله علیه وسلم ایشان را اختیار دادند و گفتند که با پدر و مادر خود مشوره کرده و تصمیم بگیرد. ایشان بلا درنگ گفت: در کجای این کار با پدر و مادرم مشوره کم؟ من خدا و رسول و آخرت را می خواهم. سپس همسران دیگر رسول الله صلی الله علیه وسلم نیز از ایشان متابعت کردند.

برائت و پاکدامنی ایشان از فراز هفت آسمان اعلام شد. حکایت چنان آغاز شد که عائشه رضی الله عنها از خواهر خود اسما گردن بندی را به عاریت گرفت. این گردن بند در راه برگشت از غزوه بنی المصطلق گم شد. ایشان رفت تا گردن بند را پیدا کند وقتی برگشت، قافله حرکت کرده بود و صحابه گمان کرده بودند که ایشان در داخل کجاوه خود است و آنرا بالای شتر گذاشتند. ایشان وقتی برگشتند خیلی غمگین و پریشان شد، در جای خود نشست گریه میکرد تا اینکه در همین حالت به خواب رفت. چندی بعد، صفوان بن معطل رضی الله عنه، صحابی ای که مسئولیت داشت در عقب لشکر راه برود و اشیای باقیمانده لشکر را جمع آوری کند، آمد و از دور عائشه رضی الله عنها را دید و با آواز بلند "إنا لله وانا إليه راجعون" گفت. عائشه رضی الله عنها از آواز وی بیدار شد. او شتر خود را پائین آورد و عائشه رضی الله عنها بر آن نشست و به عقب لشکر در حرکت شدند تا بعد از مدتی با لشکر یکجا شدند. منافقان و عده ای از مسلمانانی که تحت تأثیر تبلیغات آنان قرار گرفته بودند، عائشه رضی الله عنها را به بدکارگی متهم کردند که گویا -العیاذ بالله- ایشان به همین سبب، با این صحابی در عقب مانده بود.

رسول الله صلی الله علیه وسلم از این حکایت اطلاع یافت و چندین روز گذشت. این روزها از دشوارترین روزها در زندگی رسول الله صلی الله علیه وسلم و عائشه رضی الله عنها بود تا اینکه آیاتی چند از سوره نور در پکی و برائت عائشه رضی الله عنها نازل شد، و منافقین روسیاه گردیدند.

برخی از صحابه ایشان را همشתי می دانستند، چنانچه وقتی ایشان بیمار شدند عبد الله بن عباس رضی الله عنهما نزد شان آمدند و گفتند: ای عائشه، تو نزد رسول الله و ابوبکر صدیق خواهی رفت. از عمار رضی الله عنه نیز روایت شده است که می فرمودند: عائشه در دنیا و آخرت همسر رسول الله صلی الله علیه وسلم است.

رسول الله صلی الله علیه وسلم لحظات آخر زندگی خود را در حجر عائشه رضی الله عنها گذراندند و در آخرین لحظات زندگی آب دهان عائشه رضی الله عنها با آب دهان مبارک رسول الله صلی الله علیه وسلم آمیخت؛ طوری که ایشان مسواک را در دهن خود نرم کرد سپس به وی صلی الله علیه وسلم داد تا مسواک کند. و اخیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم در میان بازوهای عائشه، سپس در حجره ایشان دفن گردیدند.

عائشه رضی الله عنها یکی از بزرگترین علمای امت اسلامی بود و بیش از دوهزار حدیث از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت نمود و بزرگان صحابه رضی الله عنهم در مسایل دین به او رجوع می کردند.

ایشان در رمضان سال پنجاه و هشت هجری وفات نمودند و حضرت ابو هریره رضی الله عنه بر ایشان بعد از نماز تراویح نماز جنازه خواند و در بقیع به خاک سپرده شد.

هر کسی ایشان را متهم به ناپاکی کند در حقیقت به چندین آیت قرآنی که در براءت ایشان نازل شده است و تا روز آخرت قرائت می گردد و احادیث دیگری که در فضیلت ایشان روایت شده است انکار می کند و بنابراین خارج از ملت می گردد.

\* \* \* \* \*

## حفصه بنت عمر بن الخطاب رضی الله عنها

ایشان ام المومنین حفصه بنت عمر بن الخطاب رضی الله عنها بود و پنج سال قبل از بعثت به دنیا آمد. رسول الله صلی الله علیه وسلم در سال سوم هجری با وی ازدواج فرمودند.

ام المومنین حفصه رضی الله عنها مسئولیت بزرگ و مهمی را بر دوش داشت، و آن حفاظت از مصحفی بود که در زمان ابوبکر صدیق رضی الله عنه جمع آوری گردیده بود؛ زیرا حضرت عمر رضی الله عنه آن مصحف را که نزد ایشان بود قبل از رحلت از دنیا، به حفصه رضی الله عنها سپردند. هنگامی که در خلافت عثمان رضی الله عنه قرآن جمع آوری گردید از این مصحف استفاده گردید و دوباره به حفصه رضی الله عنها باز گردانیده شد و تا دم وفات نزد ایشان باقی ماند.

یکبار رسول الله صلی الله علیه وسلم ایشان را یک طلاق دادند. بعد از مدتی رسول الله صلی الله علیه وسلم تشریف آوردند و ایشان چادر خود را پوشید (گویا کس نامحرم داخل شد). رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: جبرئیل علیه السلام نزد من آمد و گفت: به حفصه رجوع کن، او روزه دار، نمازگزار و همسر تو در بهشت است.

حضرت حفصه رضی الله عنها زنی نیکو و پاکیزه و پرهیزگار بود و ایشان از جمله زنان انگشت شماری در آن زمان بودند که نوشتن را یاد داشتند. حفصه رضی الله عنها حافظ حدیث بود و احادیث زیادی را از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت کرده بود. از ایشان حدود شصت حدیث از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت شده است. ایشان بعد از وفات رسول الله صلی الله علیه وسلم بدون ضرورت از خانه بیرون نمی شد تا اینکه در ماه شعبان سال 45 هجری در مدینه منوره وفات نمود و در قبرستان بقیع دفن گردید. ایشان زنی بود که به بهشت مزده داده شده بود.

ام المومنین عائشه رضی الله عنها در توصیف حفصه رضی الله عنها می فرماید: ایشان دختر پدر خود هستند و همه ما می دانیم که پدر شان کی بود.

\* \* \* \* \*

## سیده فاطمه زهرا رضی الله عنها

ایشان فاطمه بنت محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم سرور زنان مہشتی بود و 5 سال قبل از بعثت رسول الله صلی الله علیه وسلم در مکہء مکرمہ چشم به جہان گشود. ایشان خوردترین دختران رسول الله صلی الله علیه وسلم بود و ذریہء رسول الله صلی الله علیه وسلم منحصر بہ اولادہای ایشان گردید.

فاطمہ رضی الله عنها در سال دوم ہجری بعد از غزوہ بدر در عقد علی بن ابی طالب رضی الله عنہ در آمد و الله متعال ایشان را چہار فرزند بناہمای حسن، حسین، زینب و ام کلثوم -رضی الله عنہم- عطا کرد کہ از آن جملہ ام کلثوم رضی الله عنها در نکاح امیر المومنین عمر بن الخطاب رضی الله عنہ در آمد.

رسول الله صلی الله علیه وسلم فاطمہ رضی الله عنها را بسیار دوست داشتند و می فرمودند فاطمہ پارہ تن من است، کسی او را ناراحت نکند، ناراحتی او ناراحتی من است. فاطمہ رضی الله عنها شبیہ ترین مردم بہ رسول الله صلی الله علیه وسلم در سخن گفتن بود. ہرگاہ فاطمہ رضی الله عنها نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم می آمد رسول الله از جایشان برای وی بلند می شدند و ایشان را می بوسیدند و خوش آمدید می گفتند.

فاطمہ رضی الله عنها از آوان طفولیت مشکلات و دشواری های زیادی را متحمل شد؛ ایشان طفلی بیش نبود کہ کفار مکہ رسول الله صلی الله علیه وسلم را اذیت می کردند و وی با دستان کوچک خود تلاش می کرد مانع اذیت آنان گردد، هنوز کمسن بود کہ مادر مہربان خود را از دست داد، و دیری نگذشتہ بود کہ سہ خواہرش بیہم وفات نمودند.

ایشان با وجود اینکه از محبت خاص رسول الله صلی الله علیه وسلم برخوردار بود اما این محبت ہرگز باعث بی عدالتی و استفادہ از بیت المال برای رفاہیت و آرامی ایشان نگردید. یکبار اسیرہای زیادی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم وجود داشتند. علی رضی الله عنہ بہ خانہ برگشت دید کہ فاطمہ رضی الله عنها خیلی در کار خانہ خستہ شدہ است. برایشان گفت نزد پدر خود رفتہ و از وی بخواہد تا غلامی برای خدمت شان بدهد. وقتی از رسول الله صلی الله علیه وسلم این تقاضا را کردند، رسول الله صلی الله علیه وسلم نپذیرفت و در بدل فرمودند من چیزی را بہ شما می آموزانم کہ از آنچه طلب کردہ اید اجر و ثواب محتر و بیشتری دارد؛ شب ہنگام خواب وقتی بہ بستر خواب می روید 33 بار "سبحان الله"، 33 بار "الحمد لله" و 34 بار "الله اکبر" بگویید کہ نفع آن از خدمتگار محتر و بیشتر است و خستگی شما رفع میگردد.

فاطمہ رضی الله عنها ہنگام بیماری وفات رسول الله صلی الله علیه وسلم خیلی غمگین بود. پیامبر صلی الله علیه وسلم ایشان را فرا خواند و آہستہ در گوش ایشان سخنی گفت کہ از شنیدن آن حضرت فاطمہ گریہ کرد. پس از مدتی دوبارہ ایشان را فراخواند و آہستہ در گوش شان چیزی گفت کہ از شنیدن آن فاطمہ رضی الله عنها خندید.

وقتی از علت گریہ و خندہ پرسیدہ شد فرمود: بار اول رسول الله صلی الله علیه وسلم در گوشم گفت کہ در این بیماری وفات می کند، پس من گریہ کردم. اما بار دوم در گوشم گفت اولین کسی کہ از اہل بیتم بہ من می پیوندد تو هستی، بہ همین جهت خندیدم. فاطمہ رضی الله عنها شش ماہ بعد از وفات رسول الله صلی الله علیه وسلم وفات نمود.



## حسین رضی الله عنها

نامهای شان حسن و حسین بن علی بن ابی طالب القرشی رضی الله عنهم بود. بر اساس مشهورترین روایات، حسن رضی الله عنه در سال 3 هجری و حسین رضی الله عنه در سال 4 هجری در مدینه منوره تولد شدند.

آنها شباهت زیادی به جد خود، رسول الله صلی الله علیه وسلم داشتند. گفته می‌شود که حسن رضی الله عنه از ناحیه چهره و حسین رضی الله عنه از ناحیه جسد شباهت زیادی با رسول الله صلی الله علیه وسلم داشتند. ابوبکر رضی الله عنه حسین رضی الله عنه را می‌گفت که تو به رسول الله صلی الله علیه وسلم شباهت داری نه به پدر خود و علی رضی الله عنه با شنیدن این سخن می‌خندید.

رسول الله صلی الله علیه وسلم این دو نواده خود را خیلی دوست داشتند. آنان را ریچانه‌های خود می‌خواندند. آنان را بو کرده و به آغوش می‌گرفتند. رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرمودند کسی این دو را دوست داشته باشد مرا دوست داشته است و کسی با آنها کینه ورزد با من کینه ورزیده است. رسول الله صلی الله علیه وسلم بارها آنان را به شانه‌های خود برداشته و راه می‌رفتند و گاهی آنان را با خود بر سواری خود سوار می‌کردند. رسول الله صلی الله علیه وسلم آنان را سردار جوانان جنت خوانده است.

صحابه رسول الله صلی الله علیه وسلم نظر به محبت رسول الله صلی الله علیه وسلم، اهتمام زیادی به آنان داشتند. یکبار عمر رضی الله عنه برای اولادهای صحابه لباس توزیع کرد اما در میان لباسها، لباس مناسبی برای حسن و حسین رضی الله عنهما نبود، شخصی را به ین فرستاد تا از آنها لباس‌های مناسبی برایشان بیاورد. وقتی لباس رسید عمر رضی الله عنه فرمود حالا قلم مطمئن شد. عمرو بن العاص رضی الله عنه وقتی حسین رضی الله عنه را دید که بسوی کعبه می‌آید فرمود: این محبوبترین اهل زمین نزد اهل آسمان است. معاویه رضی الله عنه احترام خاص به آن بزرگواران، داشت؛ یکبار به همراهان خود از پاسخ شدید اللهجهء حضرت حسین رضی الله عنه شکایت کرد. بعضی همراهانش برایش گفتند که در پاسخ وی بنویس و عیوب او و پدرش را بیان کن، معاویه رضی الله عنه فرمود: حسین عیبی ندارد هر آنچه بگویم دروغ خواهد بود.

حسن و حسین رضی الله عنهما در جوانی خود ضمن لشکر مجاهدین چندین بار به جنگ‌ها برآمدند و شاهد فتوحات اسلامی بودند. بر اساس بعضی روایات هنگامی که عثمان رضی الله عنه توسط فتنه گران باغی مورد محاصره قرار گرفت از مردم خواست که از وی دفاع نکنند تا باعث جنگ و خونریزی میان مسلمانان نشوند اما حسن و حسین رضی الله عنهما بر اساس امر پدر بزرگوارشان علی رضی الله عنه، همراه با چند جوان دیگر از عثمان رضی الله عنه دفاع کردند. شهادت عثمان رضی الله عنه باعث غمگینی شدید حسن رضی الله عنه و سایر صحابه گردید و ایشان این غم را هرگز فراموش نکردند.

مردم بعد از شهادت علی رضی الله عنه با حسن رضی الله عنه بیعت کردند و او برای مدتی امور مسلمانان را بدست داشت مگر بخاطر مصلحت دین و اجتناب از خونریزی میان مسلمانان در حق معاویه رضی الله عنه تنازل کرد. حسین رضی الله عنه شدیداً مخالف این تنازل بود اما وقتی عزم حسن رضی الله عنه را مشاهده کرد تسلیم این فیصله وی گردید. حسن رضی الله عنه در سال 51 هجری وفات نمود و در قبرستان بقیع دفن گردید.

اما حسین رضی الله عنه، هنگامی که معاویه رضی الله عنه از مردم خواست تا با پسرش یزید بیعت کنند، این دعوت او را پذیرفت. این مخالفت وقتی شدت گرفت که یزید بعد از وفات پدر خود به قدرت رسید و بالاخره در نتیجه آن حسین رضی الله عنه در سال 61 هجری به شهادت رسید.

\* \* \* \* \*

## حضرت بلال ابن رباح رضی الله عنه

نام ایشان بلال فرزند رباح بود. ایشان از حبشه افریقا بود. گفته می‌شود ده سال بعد از ولادت رسول الله صلی الله علیه وسلم تولد شده بودند. بلال رضی الله عنه برده‌ای یکی از سران قریش بنام امیه بن خلف بود و دوران نوجوانی و جوانی خود را زیر ستم و ظلم این شخص گزرانده بود. هنگام بعثت رسول الله صلی الله علیه وسلم بلال رضی الله عنه سی ساله بود. او از بعثت رسول الله صلی الله علیه وسلم اطلاع یافت، خود را نزد ایشان رسانیده و از زبان مبارکشان آیات قرآن را شنید و ایمان آورد.

حکایت اسلام بلال رضی الله عنه به گوش آقایش رسید. او از ایشان خواست تا از دین اسلام بر گردد، اما بلال رضی الله عنه سخنش را قبول نکرد، همین بود که امیه بن خلف وی را مورد سخت‌ترین تعذیب و شکنجه قرار داد؛ طوری که بلال رضی الله عنه را در فصل تابستان و در گرم‌ترین ساعات روز در جزیره عرب بر روی ریگستان سوزان می‌خواباند و سنگ بزرگی را بر روی سینه اش می‌گذاشت و او را شلاق می‌زد اما بلال رضی الله عنه، در پاسخ این همه شکنجه‌ها، الله یگانه را ندا می‌زد و می‌گفت: "أحد، أحد"، و این همه دشواری‌ها و شکنجه‌ها هرگز نتوانست عزم آهنین بلال را بشکند و او را از دینش برگرداند. این سلسله عذاب و شکنجه جریان داشت تا اینکه ابوبکر صدیق رضی الله عنه ایشان را از آقایش به قیمت بسیار بالایی خریداری کرده و آزاد کرد.

بلال رضی الله عنه همراه با سایر صحابه به مدینه منوره هجرت نمود. او برای اولین بار به امر رسول الله صلی الله علیه وسلم اذان داد و به مؤذن رسول الله صلی الله علیه وسلم شهرت یافت. و ایشان کسی بودند که بعد از فتح مکه نیز بر بالای کعبه بالا شده و از آنجا برای اولین بار آواز اذان را در کعبه بالا کردند.

بلال رضی الله عنه از فضیلت و احترام خاصی در میان صحابه برخوردار بود؛ عمر فاروق رضی الله عنه می‌فرمودند که ابوبکر سید ما است و سید ما را آزاد کرد و منظور ایشان بلال رضی الله عنه بود.

روزی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم بلال رضی الله عنه را فرا خواند و فرمودند: چگونه برای رسیدن به محشت از من پیشی گرفتی؟ چون من وارد محشت شدم و صدای خش خش نعلین تو را در مقابلم می‌شنیدم؟

وقتی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم رحلت نمود در اولین نماز بلال رضی الله عنه برخاست تا اذان بگوید وقتی که به "أشهد أن محمداً رسول الله" رسید، اشک از چشمانش جاری شد و گلویش را گریه خفه کرد و مسلمانان همگی در گریه، آه و ناله غرق شدند. ایشان دیگر توان بودن در مدینه را در نبود رسول الله صلی الله علیه وسلم نداشت بنابراین از ابوبکر رضی الله عنه اجازه گرفت تا به شام برود و ایشان نیز بعد از تلاش زیادی که مانعشان شود اجازه داد. بلال رضی الله عنه در لشکر مجاهدین به شام رفت و در هانجا باقی ماند تا داعی اجل را لبیک گفت.

## حضرت سلمان فارسی رضی الله عنه

نام ایشان سلمان فارسی و کنیه شان ابو عبد الله بود. ایشان از فارس و از منطقه اصفهان بود. حکایت اسلام ایشان خیلی عجیب و جالب است. ایشان خود حکایت می‌کند که پدرش شخص زمینداری بود و سلمان رضی الله عنه را خیلی دوست داشت و نمی‌خواست او از خانه خارج شود. روزی غلام پدرش نبود و پدر وی را برای کاری فرستاد. ایشان در راه متوجه شدند که تعدادی از مردم در یک کلیسا مشغول عبادت هستند، در آنجا داخل شده و عبادت آنان را مشاهده کرد تا اینکه شام شد و به خانه برگشت. وقتی پدرش احوالش را پرسید و درک کرد که او از نصرانیت متأثر شده است تلاش کرد که او را به دین آباء و اجدادش (مجوسیت) قناعت دهد اما نتوانست. پای سلمان را با زنجیر بست تا از خانه بیرون نرود و به مسیحیت نگراید. سلمان با افرادی در کلیسا در تماس شد و از آنان خواست هرگاه قافله‌ای بسوی شام می‌رفت وی را اطلاع دهند. روزی قافله‌ای روانه شام بود و سلمان رضی الله عنه خود را از زنجیر رها کرد و به شام رفت.

در شام وی با چندین نفر از علمای نصاری نشست و درخواست نمود و آنان وی را از علامات پیامبر آخر زمان و اینکه در جزیره عرب مبعوث می‌شود با خبر ساختند. بعد از مرور زمانی، وی روانه جزیره عرب شد. همراهانش با وی خیانت کرده و او را به یک شخص عرب فروختند و بالاخره در یک فروش دیگر به یثرب (مدینه منوره) رسید و در آنجا مصروف خدمت به بادار یهودی خود شد. سالها گذشت تا اینکه روزی از رسیدن پیامبر آخر زمان به مدینه اطلاع یافت. نزد ایشان رفت و جستجو و بررسی کرد تا اینکه تمام علاماتی را که علمای نصرانی در باره پیامبر آخر الزمان برایش گفته بودند در رسول الله صلی الله علیه وسلم یافت و ایمان آورد.

سلمان فارسی رضی الله عنه بعد از ایمان، همچنان غلام باقی ماند تا اینکه رسول الله صلی الله علیه وسلم وی را مشوره داد تا در بدل پول، از آقای خود آزادی بخواهد. آقا در بدل شانندن تعداد زیادی از درختان خرما و پول هنگفتی با این مطالبه موافقه کرد. رسول الله صلی الله علیه وسلم و صحابه کرام وی را در به جا کردن این دو شرط، کمک و همکاری نمودند و بالاخره ایشان از غلامی آزاد شدند. وی در این جریان نتوانست در غزوات بدر و احد اشتراک کند بلکه اولین غزوه‌ای که سلمان رضی الله عنه توانست با مسلمانان علیه کفار در آن برزمد غزوه خندق بود که در آنجا مشوره حفر خندق را داد و این مشوره باعث کامیابی مسلمانان شد.

ایشان از فضیلت و مکانت خاصی نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم و صحابه رضوان الله علیهم برخوردار بود حتی اینکه رسول الله صلی الله علیه وسلم ایشان را اهل بیت خود شمردند و فرمودند که جنت مشتاق دیدار سلمان فارسی است. و سلمان رضی الله عنه خود را فرزند اسلام میدانست و زمانی که عمر فاروق رضی الله عنه این را شنید، وی نیز می‌فرمود: من عمر فرزند اسلام هستم و برادرم سلمان است.

سلمان رضی الله عنه در خلافت عمر فاروق رضی الله عنه، والی مداین تعیین گردید و در زمان خلافت عثمان بن عفان رضی الله عنه، وفات کرد.

## حضرت ابویوب انصاری رضی الله عنه

نام ایشان خالد بن زید بن کلیب معروف به ابویوب انصاری بود. ایشان از اهل مدینه منوره بود و قبل از هجرت رسول الله صلی الله علیه وسلم به مدینه منوره، مشرف به اسلام شد و در بیعت عقبه دوم در مکه معظمه نیز حاضر بود. وقتی رسول الله صلی الله علیه وسلم وارد مدینه منوره شدند شتر ایشان نزد خانه ابو ایوب انصاری رضی الله عنه زانو زد، و خانه ایشان، اولین خانه‌ای بود که رسول الله صلی الله علیه وسلم در مدینه منوره برای رهایش برگزیدند و ابو ایوب انصاری رضی الله عنه شرف میزبانی رسول الله صلی الله علیه وسلم را حاصل نمود.

ابو ایوب انصاری رضی الله عنه تقریباً هفت ماه میزبان رسول الله صلی الله علیه وسلم بود تا اینکه مسجد رسول الله صلی الله علیه وسلم و خانه ایشان بنا شد و به آنجا منتقل شدند. هنگامی که رسول الله صلی الله علیه وسلم در خانه ابو ایوب انصاری رضی الله عنه بودند، ایشان و خاتم شان همیشه در خدمت رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌بودند و هرگاه رسول الله صلی الله علیه وسلم طعامی می‌خوردند، ابویوب و خاتم شان -رضی الله عنهما- جهت تبرک از جای دست رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌خوردند.

ابو ایوب انصاری جایگاه و فضیلت خاص نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم و اصحاب کرام داشت. روایت شده است که هنگامی که ایشان نزد عبد الله بن عباس رضی الله عنهما به شهر بصره رفت، ابن عباس رضی الله عنهما خانه خود را برایش رها کرد و گفت که چنان می‌کنم که با رسول الله صلی الله علیه وسلم کردی.

ابو ایوب انصاری رضی الله عنه از غزوه بدر گرفته تا آخرین لحظات حیات خود در تمامی غزوات و معرکه‌های مسلمانان اشتراک کرده است. حضرت علی رضی الله عنه ایشان را والی مدینه منوره تعیین کرد و خود به کوفه رفت. بعد از اینکه معاویه رضی الله عنه امارت مسلمانان را به دست گرفت لشکر خود را بسوی حجاز فرستاد و ابو ایوب انصاری رضی الله عنه بدون اندک مزاحمت مدینه منوره را برایشان ترک گفت و خود عازم عراق شد.

در زمان معاویه رضی الله عنه لشکری به فرماندهی یزید پسر معاویه رضی الله عنه برای فتح قسطنطنیه فرستاده شد و ابو ایوب انصاری رضی الله عنه با وجود اینکه در آن زمان شخص سالخورده‌ای بود در این لشکر به قسطنطنیه رفت. ایشان در همین جنگ و در سال 52 هجری به مرض شدیدی مبتلا و سپس وفات نمود. قبل از وفات ایشان، یزید به عیادت ایشان آمد و از ایشان پرسید که چپ ضرورت و یا وصیتی دارند؟ ابو ایوب رضی الله عنه در جواب فرمود وصیت من به لشکر اسلام نیست تا قلب خاک دشمن پیش بروند و جنازه من را نیز با خود حمل کنند و در جای قدمهای خود و در کنار دیوار قسطنطنیه مرا دفن کنند.

مجاهدین نیز این وصیت ایشان را پذیرفتند و جنازه ایشان را با خود حمل کردند تا اینکه به دیوارهای قسطنطنیه رسیدند و ایشان را در همانجا به خاک سپردند.

## حضرت معاویه بن ابی سفیان رضی الله عنه

نام ایشان معاویه بن صخر بن حرب اموی قرشی مشهور به معاویه بن ابی سفیان و کنیه ایشان ابو عبد الرحمن بود. ایشان 17 قبل از هجرت رسول الله صلی الله علیه وسلم در مکه مکرمه تولد شد. بنابر بعضی روایات در سال 6 هجری هنگام صلح حدیبیه به اسلام مشرف شده بود اما اسلام خود را از پدر و خانواده خود پنهان کرده بود تا اینکه همراه با آنان در روز فتح مکه آنرا اظهار کرد. وی کاتب وحی رسول الله صلی الله علیه وسلم بود و بیشتر از 150 حدیث از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت کرده است. ام المومنین ام حبیبه همسر رسول الله صلی الله علیه وسلم خواهر معاویه رضی الله عنه بود.

ایشان بعد از اظهار اسلام در اکثر معرکه‌ها با مجاهدین اشتراک کرد و در زمان ابوبکر صدیق رضی الله عنه قیادت لشکر مککی را به عهده داشت که به معرکه بمامه فرستاده شد و آنجا تحت قیادت برادر خود یزید بن ابی سفیان در لشکر مجاهدین جنگید. وی در این دوره، در لشکری که به منظور فتح شام فرستاده شده بود نیز اشتراک داشت. رسول الله صلی الله علیه وسلم برای وی دعا کردند که الله تعالی ایشان را راهیاب و راهنای دیگران قرار دهد.

وی در سال 21 هجری توسط عمر بن الخطاب رضی الله عنه والی اردن تعیین شد و به تعقیب آن بعد از وفات برادرش یزید بن ابی سفیان والی دمشق تعیین شد. در خلافت عثمان بن عفان رضی الله عنه ایشان والی تمام منطقه شام بود.

بعد از شهادت علی بن ابی طالب رضی الله عنه وی با امارت حسن رضی الله عنه مخالفت کرد و بالاخره حسن رضی الله عنه بخاطر جلوگیری از خونریزی مسلمانان در حق ایشان تنازل کرد و ایشان امارت عامه مسلمانان را بدوش گرفت.

در زمان حکومت ایشان سلسله فتوحات اسلامی از سر گرفته شد و گسترش یافت و سرزمین‌های اسلامی از یکسو به روم، از سوی دیگر به سند، کابل، اهواز و ماوراء النهر رسید. از جانب دیگر لشکر اسلام به شمال افریقا نیز رسیدند و جزیره‌های قبرص و صقلیه و جزیره‌های دیگری را در کنار بحر ایضاً متوسط فتح کردند.

معاویه بن ابی سفیان رضی الله عنه سیاستمدار بزرگی بود و در سیاست، درک و دانش خود در میان عرثها ضرب المثل بود. یکی از سیاست‌های ایشان بنام "موی معاویه" مشهور است چنانچه ایشان می‌فرمود اگر میان من و مردم یک موی هم باشد هرگز قطع نمی‌شود، اگر آنها آن موی را بسوی خود بکشاند من آنها رها می‌کنم و اگر آنان رها کردند من آنها بسوی خود می‌کشانم.

عمر رضی الله عنه در توصیف شخصیت سیاسی معاویه رضی الله عنه می‌فرمود: شما از سیاست کسری و قیصر یاد آور شده و از آن تعجب می‌کنید، در حالی که در میان شما سیاستمدار بزرگی چون معاویه وجود دارد.

ایشان در سال 60 هجری در دمشق وفات کرد و پسرش یزید که قبلاً معاویه رضی الله عنه بیعت مردم را برای وی گرفته بود جانشین او گردید.

## حضرت عبد الله بن عباس رضی الله عنهما

نام ایشان عبد الله بن عباس بن عبد المطلب هاشمی قرشی و کنیه شان ابو العباس بود. سه سال قبل از هجرت در مکه مکرمه تولد شد. ایشان پسر کاکای رسول الله صلی الله علیه وسلم بود و لقب ایشان "حبر الأمة" و ترجمان قرآن بود زیرا ایشان مجری از علوم بود و هیچ موضوع دینی بخصوص متعلق به قرآن کریم نبود مگر اینکه ایشان در آن معلومات کافی داشت. علاوه بر این، اگرچه ایشان از نوجوانان صحابه بود، مگر مردم در علوم شعر و نسب، تاریخ و رویدادها به وی مراجعه می‌کردند و ایشان آنان را از علم غزیر خویش سیراب می‌نمود. عمر فاروق رضی الله عنه هنگام مشورت با بزرگان صحابه، ابن عباس رضی الله عنهما را نیز در جمع اصحاب بدر دعوت می‌کرد و نظرش را جويا می‌شد و گاهی نظرش را بر دیدگاه‌های بزرگان صحابه ترجیح می‌داد. در باره او می‌فرمود: ابن عباس جوانی است که خرد بزرگان، زبان بسیار پرسشگر و قلب خردمند دارد.

ابن عباس رضی الله عنهما در زمان خلافت عثمان رضی الله عنه، جایگاه اجتماعی و سیاسی بالایی داشت؛ ایشان در سال ۲۷ هجری در فتح افریقا، در مرز میان تونس و مراکش، در لشکر اسلام حضور داشت و فرماندهی بخشی از آن را عهده داشت. ایشان در سال ۳۰ هجری در فتح طبرستان حضور یافت، و در سال ۳۵ هجری از سوی حضرت عثمان رضی الله عنه، امیر حج تعیین شد.

حضور ابن عباس رضی الله عنهما در دوران خلافت حضرت علی رضی الله عنه بسیار برجسته بود؛ ایشان از نزدیک‌ترین مشاوران علی رضی الله عنه به شمار می‌آمد، و علی رضی الله عنه در زمان خلافت خود ایشان را والی بصره تعیین کرد.

عبد الله بن عمر رضی الله عنهما می‌فرمودند: ابن عباس علم‌ترین مردم به آنچه که بر رسول الله صلی الله علیه وسلم نازل شده است می‌باشد.

این همه علم وافر که ابن عباس رضی الله عنهما داشت، به برکت دعای رسول الله صلی الله علیه وسلم بود که برایش دعا کردند تا الله به او علم دین و تأویل قرآن را بیاموزد. ایشان چنان از علم، دانش، ذکاوت و فصاحت برخوردار بود که نه تنها سوال کننده را کاملاً قانع می‌ساخت بلکه او را به غبطه نیز وا می‌داشت تا تمنا کند که ای کاش من مانند این شخص از علم و دانش بهره می‌داشتم.

ایشان نه تنها در علوم مانند بحر بود بلکه در اخلاق، تعامل، مساعدت و همکاری با دیگران نیز الگو بود. بعضی از معاصران ایشان می‌گفتند که هیچ خانه‌ای را مانند خانه ابن عباس رضی الله عنهما پر از غذا، میوه و علم ندیدیم. ایشان قلب پاک، نفس پاکیزه داشتند و در مقابل هیچ کسی در دل خویش کینه نداشتند. و چیزی که هرگز از آن خسته نمی‌شدند این بود که باید برای هر کس، آشنا و نا آشنا، خیر برساند.

از ایشان بیش از 1660 حدیث در کتب معتبر حدیث روایت شده است. ایشان از فتنه و اختلاف در میان مسلمانان نفرت داشت و بنابراین در رویدادهای بعد از شهادت علی رضی الله عنه کاملاً گوشه نشینی اختیار کرده و جانب هیچ یک را نگرفت. در آخر عمر ایشان بینایی خود را از دست داد و در سال 68 هجری در شهر طائف وفات نمود.

## حضرت عبد الله بن عمر رضی الله عنهما

نام ایشان عبد الله بن عمر بن الخطاب عدوی قرشی و کنیه‌اش ابو عبد الرحمن بود. ایشان در سال دوم بعثت رسول الله صلی الله علیه وسلم در مکه مکرمه تولد شد و در طفولیت اسلام آورد.

عبد الله بن عمر رضی الله عنهما به علم وافر و تمسک شدید به سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم شهرت داشت؛ و چنان اقتدا به رسول الله صلی الله علیه وسلم را دوست داشت که اگر می‌دانست در جایی رسول الله صلی الله علیه وسلم شب گذشتانده است آنجا شب می‌ماند، جایی در زیر سایه درختی استراحت کرده بود آنجا در زیر آن سایه استراحت می‌کرد، در راهی می‌رفت که رسول الله صلی الله علیه وسلم رفته بودند بلکه حتی تلاش می‌کرد که شترش بر قدمهای شتر رسول الله صلی الله علیه وسلم پا بگذارد.

ایشان در خوردسالی خیلی شوق جهاد را داشتند؛ دوبار رسول الله صلی الله علیه وسلم در غزوات بدر و احد ایشان را از صف مجاهدین بنابر خوردسال بودن خارج کردند و در غزوه خندق ایشان را اجازه داخل شدن در معرکه را دادند. آن زمان ایشان تنها 15 سال سن داشت. ایشان بعد از آن در تمام معرکه‌ها بشمول فتح مصر و افریقا اشتراک نمود.

عثمان بن عفان رضی الله عنه به وی مسند قضاء را در زمان خلافت خویش پیشنهاد کرد اما ایشان نپذیرفت. و ایشان از جمله چند تن محدودی بودند که هنگامی عثمان رضی الله عنه توسط شورشیان فتنه‌گر باغی محاصره شدند در دفاع از وی پرداختند؛ و این عمر رضی الله عنهما شمشیر پدر خود را بدست گرفته و تا آخرین لحظه از عثمان رضی الله عنه دفاع نمود.

علی رضی الله عنه نیز در زمان خلافت خود بر وی ولایت شام را پیشنهاد کرد اما اینبار نیز ایشان نپذیرفت. ایشان از فتنه و اختلاف میان مسلمانان خیلی نفرت داشت. از ایشان روایت شده است که اگر تمام امت بجز دو تن بر خلافت من اتفاق کنند، با آن دو تن نمی‌جنگم. در زمان اختلاف و فتنه بعضی از اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم از وی خواستند تا اجازه دهد با وی بیعت کنند و تمام مردم با وی بیعت می‌کنند اما ایشان خلافت مسلمانان را نیز از خوف فتنه و خونریزی میان مسلمانان نپذیرفتند.

عبد الله بن عمر رضی الله عنهما بیشتر از 2600 حدیث از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت کرده است.

ایشان در سال 73 هجری در مکه مکرمه وفات نمود و آنجا دفن شد.



## حضرت انس بن مالک رضی الله عنه

نام ایشان انس بن مالک بن نضر انصاری خزرجی و کنیه‌اش ابوجهمزه بود.

ایشان ده ساله بود که مادرش ایشان را هنگام ورود رسول الله صلی الله علیه وسلم به مدینه منوره نزد ایشان آورده و گفتند که این انس خادم شما است و شما را خدمت خواهد کرد. رسول الله صلی الله علیه وسلم ایشان را پذیرفتند. رسول الله صلی الله علیه وسلم با وی شوخی می‌کردند و وی را "صاحب دو گوش" می‌گفتند. ایشان ده سال در خدمت رسول الله صلی الله علیه وسلم باقی ماندند و رسول الله صلی الله علیه وسلم برایشان دعا داد که که بار الها! در مال و اولاد او بیافزای، و در آنچه برایش دادی برکت بیانداز.

ایشان در باره رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم بخت‌ترین مردم از نگاه اخلاق بودند. هیچ ابریشم نازک و نرم را لمس نکردم، که از کف دست رسول الله صلی الله علیه وسلم نرم‌تر باشد، و هیچ خوشبوئی هرگز به مشام نرسید که از خوشبویی رسول الله صلی الله علیه وسلم بخت‌تر باشد. ده سال خدمت پیامبر صلی الله علیه وسلم را نمودم و هرگز برایم "اف" نگفت و نه هم برای کاری که انجام دادم، بمن گفت: چرا این کار را انجام دادی؟ و برای کاری که انجام ندادم به من نگفت که چرا چنین نکردی؟

ابو هریره رضی الله عنه می‌فرمود که انس کسی است که شبیه‌ترین نماز به نماز رسول الله صلی الله علیه وسلم را ادا می‌کند. ایشان تنها خادم رسول الله صلی الله علیه وسلم نبود بلکه پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم همواره با ایشان اظهار لطف و محبت می‌کردند و ایشان را دوست می‌داشتند. ایشان امانتدار اسرار رسول الله صلی الله علیه وسلم، همکار، شاگرد، دوست و همراه شان بود.

ایشان در صلح حدیبیه، عمره و حج، فتح مکه، غزوه حنین همراهی رسول الله صلی الله علیه وسلم بود. در غزوه بدر نیز ایشان با وجود سن کم شان در خدمت رسول الله صلی الله علیه وسلم بود اما در جنگ مستقیماً شریک نبود. ایشان یکی از کسانی بود که احادیث زیادی را از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت کرده‌اند. بیشتر از 2200 حدیث در کتب معتبر حدیث از ایشان روایت شده است.

در سال وفات شان اختلاف نظر وجود دارد. گفته می‌شود در سال 93 هجری به عمر 103 سالگی در بصره وفات نمود. بر اساس بعضی روایات ایشان قبل از وفات می‌گفت که اکنون وقت آن فرا رسیده است که نزد حبیب رسول الله صلی الله علیه وسلم بروم و برایش بگویم که من "انسک" تان آمدم.

## حضرت ابو هريره رضی الله عنه

نام ایشان عبد الرحمن بن صخر الدوسی و کنیه ایشان ابو هريره بود. در سال 7 هجری اسلام آورد و به مدینه منوره هجرت کرد. در غزوه خیبر با رسول الله صلی الله علیه وسلم اشتراک نمود سپس شوق و رغبت علم باعث شد همیشه با رسول الله صلی الله علیه وسلم بماند. ایشان می فرمود که چنان میان منبر رسول الله صلی الله علیه وسلم و حجره ام المومنین عائشه رضی الله عنه رفت و آمد می کردم که گمان می کردی دیوانه هستم مگر من دیوانه نبودم بلکه گرسنه (علم) بودم.

در روایت احادیث در میان صحابه کرام رتبه اول را داشتند و از همه بیشتر احادیث روایت کرده اند، چنانچه در کتب معتبره ۵۳۷۴ حدیث از ایشان روایت شده است.

ایشان در اکثریت معارک در زمان خلفای راشدین اشتراک کرد و در زمان فتنه و اختلاف گوشه نشینی کرده و به نفع هیچ یک از جانبین سهم نگرفت.

سبب کنیه ایشان به (ابو هريره) اینست که ایشان چوپانی می کرد و پشک (گره) کوچکی با خود داشت و شب آنرا در درخت می گذاشت و روز دوباره با خود می گرفت و به سبب همین دوستی با پشک بر ایشان کنیه ابوهریره گذاشته شد.

ابو هريره رضی الله محبت شدیدی با رسول الله صلی الله علیه وسلم داشتند. مادر ایشان مسلمان نشده بود و همیشه از ابوهریره رضی الله عنه می خواست تا از دین خود برگردد. روزی مادرش رسول الله صلی الله علیه وسلم را به سخنان زشت و نامناسب یاد کرد. ابو هريره رضی الله عنه خیلی پریشان شد و گریه کنان نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم رفت و حکایت مادر خود را کرد. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: خدایا! مادر ابوهریره را هدایت کن. ابوهریره رضی الله عنه به خانه برگشت، دید که مادرش غسل دارد. سپس مادرش لباس های پاکیزه پوشیده و نزد ابو هريره رضی الله عنه آمد و کلمه طیبه را خواند. ابوهریره رضی الله عنه از فرط خوشی دوان دوان دوباره نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم رفته و ایشان را بشارت پذیرفته شدن دعای ایشان و اسلام مادر خود را داد.

ابو هريره رضی الله عنه در زمان خلافت عمر فاروق رضی الله عنه بخیث والی بحرین تعیین گردید سپس ایشان را برکنار کرد، و بعد از مدتی از ایشان خواست دوباره مسئولیتی را در امارت بپذیرد اما ایشان قبول نکرد. در زمان مروان بن حکم نائب وی بر مدینه منور بودند. و در سال 57 هجری وفات کرد و امیر مدینه منوره بر وی نماز جنازه خواند.

\* \* \* \* \*

## حضرت خالد بن ولید رضی الله عنه

نام ایشان خالد بن ولید بن مغیره، کنیه‌اش شان ابوسلیمان و لقب‌اش سیف الله بود. ایشان در هفتمین جد با رسول الله صلی الله علیه وسلم در نسب شریک می‌شود.

خالد بن ولید رضی الله عنه شخصی شجاع بود و قبل از مشرف شدن به اسلام در سال هشتم هجری، در میدانهای جنگ از جانب قریش خیلی سرسختانه علیه مسلمانان جنگید. این شجاعت و مردانگی وی بعد از اسلام آوردن ایشان افزایش یافت. غزوه موته، اولین جنگ بعد از مسلمان شدن ایشان بود که در آن اشتراک کرد و چنان قهرمانانه رزمید که رسول الله صلی الله علیه وسلم لقب سیف الله (شمشیر الله متعال) را برایش عطا کردند.

خالد بن ولید رضی الله عنه بازوی قوی ابوبکر صدیق و عمر فاروق رضی الله عنهما در دوران خلافت‌شان بود. ابوبکر صدیق رضی الله عنه در شدیدترین جنگ‌ها مانند جنگ مرتدین و فتح عراق و شام، خالد بن ولید رضی الله عنه را با لشکر می‌فرستاد و ایشان نقش خیلی برانزده را بازی کرده و هر بار فتوحات و کارنامه‌های جدیدی را ثبت تاریخ می‌نمود.

در زمان امارت عمر بن الخطاب رضی الله عنه، خالد بن ولید رضی الله عنه از فرماندهی لشکر مسلمانان برکنار گردید. عمر رضی الله عنه سبب عزل ایشان را در فتنه افتیدن مردم از مردانگی، شجاعت و قهرمانی‌های ایشان خواند و از دخیل بودن هر نوع نارضایتی و یا خیانت در این موضوع شدیداً انکار کرد. عمر رضی الله عنه خوف داشت که شهرت و قهرمانی خالد بن ولید رضی الله عنه باعث اتکالی مردم به ایشان نگردد تا مورد ابتلای الهی قرار نگیرند.

خالد بن ولید رضی الله عنه با وجود قوت نظامی گسترده، خود بدون هیچ ممانعتی این فرمان امیر المومنین را پذیرفته و از وظیفه خود کنار رفت.

ایشان در سال 21 هجری در مدینه منوره وفات کرد و بر اساس بعضی روایات ایشان در حمص سوریه وفات کرد و در آنجا دفن شد و تاهنوز قبری منسوب به ایشان در آنجا موجود است. قبل از وفات ایشان فرمود: من مدت طویلی را در مقابل مشرکین جنگیدم، و در جنگ‌های زیادی تلاش کردم به شهادت برسم، هیچ جایی در بدنم نیست مگر اینکه جایی شمشیر یا نیزه‌ای در آن نباشد، مگر افسوس که امروز در بستر مرگ می‌میرم. هلاکت باد بر جبون‌ها و بزدلهایی که گمان می‌کنند مرگ در جهاد است.

\* \* \* \* \*

## حضرت حسان بن ثابت رضی الله عنه

نام ایشان حسان بن ثابت بن المنذر الخزرجی الانصاری و کنیه‌اش ابو الولید بود. ایشان هشت سال قبل از ولادت پیامبر صلی الله علیه وسلم در مدینه منوره به دنیا آمده بود. ایشان در خانواده اشرف و بزرگ نشأت یافته بود. لقب ایشان "شاعر رسول الله صلی الله علیه وسلم" است. ایشان از قوی‌ترین شعرای عصر خود بوده و قبل از اسلام نزد پادشاهان شام رفته و به آنان شعر می‌سرود. شعر در آن زمان بزرگترین وسیله دفاع از معتقدات و اشخاص بود. وقتی شعر قوی سرانیده می‌شد به زودترین فرصت این شعر در میان مردم انتشار می‌یافت و زبان زد عام و خاص می‌گردید.

شاعران قریش علیه رسول الله صلی الله علیه وسلم و دین اسلام شعر می‌سرودند. هنگامی که حسان بن ثابت رضی الله عنه به دین اسلام مشرف شد مسئولیت دفاع از رسول الله صلی الله علیه وسلم و دین مبین اسلام را به دوش گرفت. ایشان در کهنسالی به اسلام مشرف شد بنابراین اهل نبرد و جنگ نبود اما چنان اشعار قوی سرود که شاعران عرب از جواب آن عاجز ماندند. ایشان قبل از اینکه درباره مشرکین قریش شعر بسراید و پدران و اجداد شانرا در اشعار خود مورد هجوم قرار دهد نزد ابوبکر صدیق رضی الله عنه آمده و انساب قریش را می‌پرسید تا در اشعار اهانتی به نسب شریف رسول الله صلی الله علیه وسلم صورت نگیرد.

رسول الله صلی الله علیه وسلم شعر حسان بن ثابت رضی الله عنه را دوست داشتند، به اشعار وی گوش می‌دادند و ایشان را تشویق و ترغیب می‌کردند. باری برایشان دعا کرده و فرمودند: ای بار الها! اورا با روح القدس (جبرئیل علیه السلام) کمک کن. رسول الله صلی الله علیه وسلم گاهی هدیه‌های زیبا برای ایشان می‌دادند. گفته می‌شود از جمله هدایایی که برایشان دادند کنیزی بود که بعدا حسان رضی الله عنه با وی ازدواج کرد. چنانچه گفته می‌شود این کنیز خواهر ماریه قبطیه، کنیز رسول الله صلی الله علیه وسلم مادر ابراهیم پسر رسول الله صلی الله علیه وسلم، بود.

حسان بن ثابت رضی الله عنه از جایگاه بزرگ و محترمی در نزد تمام صحابه بخصوص خلفای راشدین برخوردار بود. از برکت دعای رسول الله صلی الله علیه وسلم و دفاع ایشان از اسلام اشعار حسان بن ثابت رضی الله عنه تا کنون بعد از گذشت 14 قرن زنده مانده و دیوان اشعار ایشان در ادب عربی جایگاه خاص خود را دارد.

در تاریخ وفات ایشان اختلاف نظر وجود دارد. طبق یک رأی، ایشان در زمان خلافت علی بن ابی طالب رضی الله عنه و بنابر رأی دیگر در زمان حکومت معاویه بن ابی سفیان رضی الله عنه در سن 120 سالگی وفات نمود.

\* \* \* \* \*

## حضرت عمرو بن العاص رضی الله عنه

نام ایشان عمرو بن عاص بن وائل سهمی و کنیه‌اش شان ابو محمد بود. ایشان در حبشه نزد نجاشی ایمان آورد و حکایت اسلام شان خیلی جالب است. چنانچه ایشان خود روایت می‌کند که بعد از برگشت از غزوه خندق نزد نجاشی به حبشه رفت و با خود مقدار زیادی از تحفه و هدایا نیز برد. قبل از داخل شدن نزد وی، مشاهده می‌کند که عمرو بن امیه فرستاده رسول الله صلی الله علیه وسلم از نزد نجاشی خارج می‌شود. عمرو بن العاص رضی الله عنه نزد نجاشی می‌رود و بعد از تقدیم تحفه‌ها از وی می‌خواهد تا عمرو بن امیه را تسلیم او کند تا وی را به قتل برساند. نجاشی از شنیدن این سخن خیلی خشمگین می‌شود و عمرو بن العاص رضی الله عنه را می‌گوید که فرستاده‌ای کسی را به قتل می‌رسانی که جبرئیلی که نزد موسی علیه السلام می‌آمد نزد وی نیز می‌آید. نجاشی عمرو بن العاص رضی الله عنه را نیز توصیه می‌کند تا ایمان بیاورد و در همینجا ایشان بدست نجاشی ایمان می‌آورد.

ایشان ایمان خود را از دوستان خود پنهان می‌کند تا اینکه به مکه بر می‌گردد و تصمیم می‌گیرد به مدینه منوره رفته و ایمان خود را اظهار کند. او قبل از تصمیم خود با خالد بن ولید رضی الله عنه روبرو می‌شود که ایشان نیز همین تصمیم را دارد. هر دو یکجا شده نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌روند. اول خالد بن ولید رضی الله عنه ایمان می‌آورد اما عمرو بن العاص رضی الله عنه به رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌گوید که وی به شرطی بیعت می‌کند که اسلام تمام گناهان سابقه اش را محو می‌کند. رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: ای عمرو! بیعت کن، اسلام و هجرت گناهان سابق را محو می‌کنند. سپس عمرو بن العاص رضی الله عنه با ایشان بیعت می‌کند.

عمرو بن العاص رضی الله عنه بعد از اسلام خویش از اشخاص مقرب نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم بود. رسول الله صلی الله علیه وسلم ایشان را فرمانده لشکر جنگ ذات السلاسل تعیین کردند که آنجا موفقانه رزمیده و دشمن را شکست داد. رسول الله صلی الله علیه وسلم بیشتر از یکبار به ایمان عمرو بن العاص رضی الله عنه گواهی داده‌اند. ابوبکر صدیق رضی الله عنه نیز ایشان را در فرماندهی لشکری به فلسطین فرستادند و بعد از برگشت فاتحانه او را در لشکر دیگری بسوی شام فرستادند. از عمر فاروق رضی الله عنه نیز روایت است که فرمودند شایسته نیست عمرو بن العاص در روی زمین بجز به صفت امیر راه برود.

ایشان در زمان خلافت عمر فاروق رضی الله عنه مصر را فتح کرده و والی آنجا مقرر شد. در زمان عثمان رضی الله عنه نیز ایشان بصف مشاور مشاور خلافت ایفای وظیفه نمود و وقتی باغیان فتنه‌گر علیه عثمان رضی الله عنه شورش و بغاوت کردند و ایشان توان مقابله با آنان را نداشت مدینه را به قصد شام ترک گفت. عمرو بن العاص رضی الله عنه در سال 43 هجری به عمر 88 سالگی در مصر وفات نمود.

\* \* \* \* \*

## حضرت اسامه بن زید رضی الله عنهما

نام ایشان اسامه بن زید بن حارثه و کنیهء شان ابو محمد بود. لقب ایشان الحب بن الحب (دوست‌داشتنی فرزند دوست‌داشتنی) بود زیرا او خود نیز نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم دوست‌داشتنی بود و پدرش زید رضی الله عنه نیز دوست‌داشتنی بود، چنانچه زید رضی الله عنه قبل از اینکه پسر خواندگی در اسلام منع شود، پسر خوانده رسول الله صلی الله علیه وسلم بودند.

اسامه بن زید رضی الله عنه از پدر و مادر مسلمان به دنیا آمد. رسول الله صلی الله علیه وسلم ایشان را بالای یک زانوی خویش و حسن رضی الله عنه را بالای زانوی دیگر خویش می‌نشانند و می‌فرمود: پروردگارا! من این دو را دوست دارم تو هم دوست شان مدار.

رسول الله صلی الله علیه وسلم ایشان را هنگامی که کمتر از بیست سال عمر داشت منحیث فرمانده یک لشکر تعیین نمودند. ایشان در حالی فرمانده لشکر شد که در آن لشکر بزرگان صحابه همچو عمر رضی الله عنه نیز وجود داشتند. برخی بر فرماندهی وی اعتراض کردند اما رسول الله صلی الله علیه وسلم آنان را از شایستگی اسامه بن زید رضی الله عنهما اطمینان داد.

این همان لشکری بود که قبل از حرکت آن بسوی هدف، رسول الله صلی الله علیه وسلم وفات نمودند سپس این لشکر بعد از کمی تأخیر توسط ابوبکر صدیق رضی الله عنه بسوی جنگ مرتدین فرستاده شد. عده‌ایی از صحابه مخالف ارسال این لشکر در وقتی بودند که رسول الله صلی الله علیه وسلم تازه وفات نموده بود و حالت مدینه هنوز کاملاً مستقر نبود اما ابوبکر صدیق رضی الله عنه فرمود که او هرگز لشکری را بر نمی‌گرداند که رسول الله صلی الله علیه وسلم آنرا آماده ساخته بود. این لشکر به قیادت اسامه بن زید رضی الله عنهما به حرکت افتاد و فاتحانه برگشت.

عمر فاروق رضی الله عنه نیز بخاطر محبتی که رسول الله صلی الله علیه وسلم با اسامه بن زید رضی الله عنهما داشتند احترام زیادی به ایشان قایل بود و همیشه ایشان را بنام امیر یاد می‌کرد.

ایشان از اختلاف و فتنه نفرت داشت. در اختلافاتی که میان علی و معاویه رضی الله عنهما صورت گرفت ایشان جانب بی‌طرفی را اختیار کرد. و بعد از اینکه میان معاویه و حسن رضی الله عنهما صلح صورت گرفت، ایشان با معاویه رضی الله عنه بیعت کرد. اسامه بن زید رضی الله عنهما در اواخر دوران خلافت معاویه بن ابی سفیان رضی الله عنه وفات نمود و جنازهء ایشان در مدینه منوره خوانده شده و در همانجا دفن گردید.

\* \* \* \* \*

## حضرت سعد بن معاذ رضی الله عنه

نام ایشان سعد بن معاذ بن نعمان و کنیه‌اش ابوعمر بود. بر اساس بعضی روایات، ایشان در سن 31 سالگی و یکسال قبل از هجرت رسول الله صلی الله علیه وسلم به مدینه منوره به دست مصعب بن عمیر رضی الله عنه مشرف به اسلام گردید. ایشان رئیس قبیله اوس بود و تمامی قبیله اش به سبب ایشان اسلام آوردند.

ایشان از جمله اصحابی اند که در غزوه‌های بدر و احد نیز اشتراک داشتند و در غزوه احد تا آخرین لحظه در دفاع از رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌جنگید. در غزوه خندق، سعد بن معاذ رضی الله عنه در حالی می‌جنگید که سپرش او را نمی‌پوشانید و به این سبب تیری به بازویش اصابت کرد و یک رگ مهم اش قطع شد.

خون خیلی به شدت می‌رفت، رسول الله صلی الله علیه وسلم بازویش را علاج کرد مگر روز به روز حالتش وخیم تر می‌شد. سعد رضی الله عنه وقتی این حالت را دید دعا کرد که خدایا تا آنکه عدالت خود را در حق قوم بنی قریظه (قوم یهودی که تعهد خود با رسول الله صلی الله علیه وسلم را شکستاده بودند) برایم نشان نداده‌ای جان مرا نگیر. بعد از جنگ خندق رسول الله صلی الله علیه وسلم لشکر را به سوی بنی قریظه سوق داد و آنرا محاصره کرد تا آنکه آماده تسلیمی شدند اما فیصله رسول الله صلی الله علیه وسلم را نپذیرفتند و خواستند سعد بن معاذ رضی الله عنه در حق شان فیصله کند.

سعد بن معاذ رضی الله عنه در حق بنی قریظه فیصله نمود تا همه مردهای شان قتل و زنها و اطفال شان به کنیزی و غلامی گرفته شوند. رسول الله صلی الله علیه وسلم برایش فرمود: بر آنها موافق با حکم الله متعال و حکم رسول او حکم کردی. سپس به خیمه خود برگشت و سعد بن معاذ رضی الله عنه دعا کرد که: "بار الها! جهاد و جنگ با هیچ کسی به اندازه جنگ با کسانی که رسول تو را تکذیب کردند و او را از مکه بیرون نمودند، برای من خوشایند نیست، الهی! تصور می‌کنم که جنگ و عداوت را بین ما و قریش به پایان رسانیده‌ای، اگر جنگ دیگری با قریش باقی است مرا زنده نگهدار تا با ایشان بجنگم، و اگر جنگ با قریش را به پایان رسانیده‌ای، این زخم من خون ریزی کند و در اثر آن بمیرم". بالاخره زخمش از ناحیه سینه‌اش شروع به خون ریزی کرد و ایشان بعد از اینکه آنچه را از الله متعال خواسته بود برآورده شد؛ به اثر این خون ریزی به عمر 37 سالگی وفات نمود. جبریل علیه السلام آمد و رسول الله صلی الله علیه وسلم را اطلاع داد که به سبب وفات ایشان دروازه‌های آسمان‌ها باز شد و عرش الله متعال به اهتزاز در آمد.

بعد از تدفین، رسول الله صلی الله علیه وسلم تسبیح و تکبیر گفتند و تمامی صحابه نیز همایش تسبیح و تکبیر گفتند تا آنکه بقیع به لرزش در آمد. وقتی پرسیده شدند فرمودند که قبر سعد را به شدت در بغل گرفت از الله متعال خواستم تا بالایش آسان کند. و فرمودند: قبر بغلگیری ابی دارد، اگر کسی از آن نجات می‌یافت سعد بن معاذ نجات می‌یافت.

در هنگام وفات سعد بن معاذ هفتاد هزار ملائکه به زمین پایان شدند که قبلا هرگز پای شان به زمین نخورده بود. سعد رضی الله عنه شخصی دارای قامت طویل بود اما جنازه اش خیلی سبک بود، وقتی صحابه از رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسیدند ایشان فرمودند: ملائکه جنازه وی را حمل می‌کردند. رسول الله صلی الله علیه وسلم وقتی از جنازه سعد رضی الله عنه بر می‌گشت گریه کردند که اشکهای شان از ریش مبارک شان می‌چکید.

روزی برای رسول الله صلی الله علیه وسلم لباس خیلی زیبا و قشنگ هدیه داده شده بود و صحابه خیلی آنرا پسند کردند و گفتند تا کنون چنان لباس زیبایی را ندیده اند. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: سوگند به آن ذاتی که جان محمد در دست اوست که دستمال‌های سعد بن معاذ در جنت بهتر از این لباس است.

\* \* \* \* \*